

احکام جوانان و نوجوانان ویژه دختران

مشخصات کتاب

سرشناسه: موگهی عبدالرحیم - ۱۳۳۸

عنوان و نام پدیدآور: احکام جوانان و نوجوانان "دانشجویان و دانش آموزان طبق فتاوا و نظریات آیات عظام فاضل لنکرانی بهجت تبریزی ... / عبدالرحیم موگهی مشخصات نشر: قم شفق ۱۳۷۶.

مشخصات ظاهری: ج ۲

فروست: (احکام شناسی ۱۱)

شابک: ۹۶۴-۴۸۵-۰۰۱-۷۱۳۰۰۰-۰۰۱ ریال ج ۱)؛ ۹۶۴-۴۸۵-۰۰۱-۷۱۳۰۰۰-۰۰۱ ریال ج ۱)؛

۹۶۴-۴۸۵-۰۰۱-۷۱۳۰۰۰-۰۰۱ ریال ج ۱)؛ ۹۶۴-۴۸۵-۰۰۱-۷۱۳۰۰۰-۰۰۱ ریال ج ۱)

یادداشت: چاپ سوم ۱۳۷۸؛ ۳۵۰۰ ریال یادداشت: چاپ سوم ۱۳۷۸؛ ۲۵۰۰ ریال ج

۲: ISBN 964-485-000-9

یادداشت: چاپ چهارم ۴۰۰۰: ۱۳۸۰ ریال یادداشت: چاپ پنجم ۱۳۸۲؛ ۵۰۰۰ ریال

یادداشت: ج ۲ (چاپ چهارم ۱۳۸۰): ۴۰۰۰ ریال یادداشت: کتابنامه مندرجات: ج ۱.

ویژه پسران. -- ج ۲. ویژه دختران موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه -- ادبیات

نوجوانان موضوع: فتوهای شیعه -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره: BP/۱۸۳/۹/م۸۸۵ الف ۲۷ ۱۳۷۶

رده بندی دیویی: [ج] ۳۴۲۲/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۶-۹۰۱۵

احکام مکلف

اشاره

تکلیف و مکلف

کسی که بالغ و عاقل باشد به حدّ <تکلیف> رسیده است، یعنی از سوی خدای بزرگ شایستگی و لیاقت انجام تکالیف الهی و دستورهای دینی را دارد. بدین جهت برخی عالمان اسلامی روز به تکلیف رسیدن خود را جشن می گرفتند. پس هر کسی که به حدّ تکلیف رسید، باید تکالیف و دستورهای خدا را که همان برنامه های عملی و وظایف فردی و اجتماعی اوست انجام دهد. به چنین کسی مُکَلَّف <(۱)> می گویند. نشانه های بلوغ

نشانه های بلوغ شدن سه چیز است. برخی از آنها عبارتند از: اول: رویدن موی درشت زیر شکم (و) بالای عورت (۲); دوم: تمام شدن پانزده سال قمری در مرد و تمام شدن نه سال قمری در زن (۳) (م ۲۳۱۴). برای دانستن مورد سوم از نشانه های بلوغ به رساله توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید. توجه رویدن موی درشت در صورت و پشت لب و در سینه و زیر بغل و درشت شدن صدا و مانند اینها (۴) نشانه های بلوغ شدن نیست، مگر (اینکه) انسان به واسطه اینها به بالغ شدن یقین کند (۵) (م ۲۳۱۵). چون هر سال قمری ۳۵۴ روز و ۶ ساعت است، بنابراین به مقدار ۱۰ روز و ۱۸ ساعت از سال شمسی کمتر است. پس با کم کردن ۹۶ روز و ۱۸ ساعت از نه سال شمسی، نه سال قمری به دست می آید که تقریباً برابر با ۸ سال و ۸ ماه و ۲۳ روز سال شمسی خواهد شد؛ و دختران باید در سن مذکور تکالیف الهی و دستورهای دینی را انجام دهند. و با کم کردن ۱۶۱ روز و ۶ ساعت از پانزده سال شمسی، پانزده سال قمری به دست می آید که تقریباً برابر با ۱۴ سال و ۶ ماه و ۱۸ روز سال شمسی خواهد شد؛ و پسران باید در سن مذکور تکالیف الهی و دستورهای دینی را انجام دهند.

۱- مکلف = به تکلیف رسیده .

۲- عورت = آنچه از بدن که انسان از روی شرم و حیا می پوشاند؛ شرمگاه .

- ۳- بهجت (م ۱۷۸۹ تبریزی (م ۲۲۶۰ مکارم (م ۱۹۰۹ زنجانی : این مسأله در جلد اول رساله ایشان دیده نشد و احتمالاً در جلد بعدی خواهد بود که هنوز چاپ نشده است .
- ۴- بهجت :... بعید (و دور از حقیقت و واقعیت) نیست که نشانهء بلوغ باشد (م ۱۷۹۰ .
- ۵- تبریزی (م ۲۲۶۱ مکارم (م ۱۹۱۰ زنجانی : این مسأله در جلد اول رساله ایشان دیده نشد و احتمالاً در جلد بعدی خواهد بود که هنوز چاپ نشده است .

تقلید و مقلد و مرجع تقلید

همان گونه که گفته شد فروع دین و احکام اسلام بسیار و وسیع هستند، و هر کس شخصاً نمی تواند تمام آنها را از منابع آن مانند قرآن و احادیث و سخنان پیامبر خدا و امامان استخراج کند و به دست آورد. بنابراین باید آنها را دانشمندانی که سالها در این زمینه به تحقیق و تحصیل پرداخته اند و در این راه ، بسیار زحمت کشیده و زیاد کوشش (اجتهاد) (۱) کرده اند، یاد بگیرد و به آنها عمل کند. (۲) به چنین دانشمندانی اصطلاحاً <مُجْتَهِدٌ یا فَقِیه > می گویند. و پیروی کردن و دنباله روی از مجتهد در فروع دین و احکام اسلام و عمل کردن به دستورهای او را <تَقْلید > می نامند. و به کسی که دستورهای خدا و احکام اسلام را از مجتهد یاد می گیرد و به آنها عمل می کند <مُقَلِّد > می گویند. و مجتهدی را که دیگران از او تقلید می کنند، <مَرَجِع تَقْلید > می نامند.

مسألهء مهم

مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد (۳) (رسالهء احکام برای نوجوانان (۴)، م ۱۰ . ۱- پس اجتهاد به معنای کوشش زیاد و تلاش فراوان در راه به دست آوردن احکام دین و قوانین شرع از منابع آن مانند قرآن و احادیث است .

۲- همچنان که ما مثلاً در علم پزشکی و طب به دکتر و طبیب مراجعه و به دستورهای او عمل می کنیم ، در علم فقه و احکام نیز باید به متخصصان و کارشناسان آن مراجعه و به دستورهای آنان عمل کنیم .

۳- مکارم: هر کس باید مسائلی را که معمولاً مورد احتیاج او واقع می شود یاد گیرد یا طریقه (= راه) احتیاط آن را بداند (م ۱۲ زنجانی: مسائلی را که انسان احتمال عقلایی می دهد به آنها احتیاج پیدا کند و نتواند احتیاط کند، باید پیش از عمل، آنها را یاد بگیرد تا در هنگام عمل برخلاف وظیفه شرعی خود رفتار نکند (م ۱۱).
 ۴- چون این مسأله در رساله توضیح المسائل آقای <فاضل> نبود، بدین جهت از کتاب مذکور که به تأییدایشان نیز رسیده است، استفاده شد

شرایط مرجع تقلید و راههای شناختن او

تقلید (۱) در احکام عمل نمودن به دستور مجتهد است. و از مجتهدی باید (۲) تقلید کرد که مرد، بالغ، عاقل، شیعه دوازده امامی، حلالزاده، زنده (۳) و عادل (۴) باشد. و مقصود از عدالت (۵)، آن است که قدرت نفسانیه ای (و توانایی باطنی ای) بر انجام واجبات و ترک گناهان کبیره (= بزرگ) و علاوه بر اینها مرُوت داشته باشد. (یعنی کاری برخلاف شأن و مقام و شخصیت خود انجام ندهد) و این معنا به وسیله حسن ظاهر (و اینکه در ظاهر آدم خوبی است) شناخته می شود (۶). و احتیاط واجب (۷) آن است که مرجع تقلید حریص (= خیلی علاقه مند و مشتاق) به دنیا نباشد. و لازم است از مجتهدین دیگر اَعْلَم (= داناتر و آگاهتر) باشد، یعنی در فهمیدن حکم خدا از همه مجتهدین عصر (و زمان) خودش عالِمتر (= داناتر و آگاهتر به احکام شرعی) باشد (۸).
 (م ۳). به مجتهدی که دارای تمام این شرایط باشد، مجتهد جامعُ الشرائط می گویند.
 یادآوری

با توجه به شرط <زنده بودن> مرجع تقلید، کسانی که تازه به حد تکلیف و سن بلوغ رسیده اند، و یا کسانی که تاکنون از کسی تقلید نمی کرده اند، باید مجتهد جامع الشرائطی را مرجع تقلید خود قرار دهند که زنده باشد، و از مرجع تقلیدی که از دنیا رفته است نمی توانند تقلید کنند. ولی اگر مرجع تقلید زنده ای که انسان از او تقلید می کرده

است از دنیا برود، می توان اگر مرجع تقلید جامع شرایط زندهء دیگری اجازه دهد و در حدودی که وی تعیین می کند، بر تقلید مرجعی که از دنیا رفته است باقی ماند و از او تقلید کرد. راههای شناختن مرجع تقلید مجتهد اعلم را از سه راه می توان شناخت: اول (۹): آنکه خود انسان یقین و یا اطمینان پیدا کند، مانند اینکه انسان خود (ش) از اهل خبره (و اهل تشخیص) باشد و بتواند مجتهد اعلم را بشناسد. دوم: آنکه دو نفر عالم عادل که می توانند مجتهد اعلم را تشخیص دهند، اعلم بودن کسی را تصدیق (و تأیید) کنند، به شرط آنکه دو نفر عالم عادل دیگر با گفتهء آنان مخالفت نمایند. (۱۰) سوم: آنکه (۱۱) اجتهاد و اعلم بودن شخصی به حدی شایع (و مشهور) باشد که از آن شیوع و شهرت برای انسان علم یا اطمینان حاصل شود (و به دست آید) (۱۲) (م ۵). ۱- زنجانی: تقلید به معنای پیروی کردن از دیگری در عقیده یا عمل می باشد... (م ۲).

۲- بهجت: تقلید از مجتهدی که مرد، بالغ، عاقل، شیعهء دوازده امامی، حلالزاده، آزاد، زنده و عادل باشد جایز است... (م ۱).

۳- زنجانی: با تفصیلی که در مسألهء دهم (رسالهء توضیح المسائل ایشان) آمده زنده باشد (م ۲). ۴- مکارم: ... بنابر احتیاط واجب زنده و عادل باشد... (م ۳ زنجانی: و مجتهد باشد (م ۲).

۵- بهجت: در معنای عدالت چیزی فرموده اند.

۶- زنجانی: عادل باشد، یعنی از گناهان کبیره مانند دروغ، غیبت، تهمت، آدمگشی، رباخواری، ترک نماز و ترک روزه... از روی ملکه، اجتناب (و دوری) کند. و مراد از ملکه حالت نفسانی است که انسان را به ترک گناه وادار می کند (و) گناه صغیره (= کوچک) نیز با اصرار (و پافشاری) بر آن، گناه کبیره محسوب می گردد. (و) نشانهء عدالت این است که در ظاهر شخص خوبی باشد، یعنی اگر از اهل محل یا همسایگان او یا کسانی که با او معاشرت دارند (و زندگی می کنند) حال او را پرسند، بگویند ما

خلاف شرعی از او سراغ نداریم (م ۲ تبزیزی: ... و نیز معتبر است سابقه فسق معروفی (= انجام کار زشت آشکاری در گذشته) بین مردم نداشته باشد، و از مجتهدی که تقلید می شود غیر از اوصاف (و شرایط) ذکر شده امر (و شرط) دیگری معتبر نیست. و عادل کسی است که کارهایی را که بر او واجب است به جا آورد، و کارهایی را که بر او حرام است ترک کند. و نشانهء عدالت این است که در ظاهر شخص خوبی باشد که اگر از اهل محل و همسایگان او یا کسانی که با او معاشرت دارند حال (و وضع) او را پرسند خوبی او را تصدیق (و تأیید) کنند... (م ۲ مکارم: ... عادل کسی است که دارای حالت خداترسی باطنی است که او را از انجام گناه کبیره و اصرار بر گناه صغیره باز می دارد. م) ۳

۷- عبارت (احتیاط واجب آن است که مرجع تقلید حریص به دنیا نباشد) در رسالهء مراجع دیگر دیده نشد.

۸- بهجت: ... بنابر اظهر باید از مجتهدین دیگر اعلم باشد، یعنی در استنباط احکام الهی توانا تر باشد، و یا اینکه از نظر علمی و اجتهاد مساوی (با) دیگر مجتهدین باشد... (م ۱ تبزیزی: ... در صورتی که اختلاف فتوا بین مجتهدین در مسائل محل ابته (و مورد عمل) (و لو اجمالاً معلوم باشد) یعنی اگرچه کاملاً و به صورت مفصل) روشن و معلوم نباشد، لازم است مجتهدی که انسان از او تقلید می کند اعلم باشد، یعنی در فهمیدن حکم خدا از تمام مجتهدهای زمان خود بهتر باشد (م ۲ مکارم: در مسائلی که مجتهدین اختلاف نظر دارند، باید از اعلم تقلید کند (م ۴ زنجانی: در صورتی که احتمال اختلاف بین مجتهدین را در مسائل مورد ابته بدهد، باید مجتهدی که انسان از او تقلید می کند اعلم باشد، یعنی از تمام مجتهدهای زمان خود حکم خدا را بهتر بفهمد، و برتری این مجتهد از سایر مجتهدین باید به گونه ای باشد که متعارف افراد اهل فضل بتوانند آن را تشخیص دهند، و اگر هیچ یک از مجتهدین چنین برتری نداشته باشند، از هر یک از مجتهدین طراز اول می توان تقلید نمود. (و مرجع تقلید باید) مؤثق باشد، یعنی اشتباهش

از متعارف بیشتر نباشد، و کسی که حریص به دنیا باشد غالباً موثق نمی باشد، زیرا حُبّ (و علاقه) شدید به دنیا باعث اشتباه زیاد در تشخیص می گردد (م ۲).

۹- بهجت (م ۳) و تبریزی (م ۳): اول آنکه خود انسان یقین کند، مثل آنکه از اهل علم (= روحانی کارشناس و کارآموده و اهل تشخیص) باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد. مکارم: اول اینکه خود انسان اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد... (م ۵).

۱۰- تبریزی... و در صورت اختلاف (بین دو نفر عالم عادل با دو نفر عالم عادل دیگر)، خبره بودن هر کدام بیشتر باشد، قول (و گفته) او مقدم (و پیش) است، بلکه به گفته یک نفر عالم خبره مورد وثوق (و مورد اعتماد و اطمینان) نیز اجتهاد یا اعلیّت ثابت می شود... (م ۳) مکارم: دوم اینکه دو نفر عادل از اهل علم به او خبر دهند، به شرط اینکه دو نفر عالم دیگر برخلاف گفته آنها شهادت (و گواهی) ندهند... (م ۵).

۱۱- بهجت (م ۳) و تبریزی (م ۳)... سوم آنکه عده ای از اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.

۱۲- بهجت... بلکه از هر راهی که انسان اطمینان به اعلم بودن کسی پیدا کند، بنابر اظهر می تواند به همان اکتفا (و بسنده) کند (و کافی است) (م ۳) مکارم... سوم اینکه آن چنان در میان اهل علم و محافل (و مجالس) علمی، مشهور (و معروف) باشد که انسان یقین پیدا کند او اعلم است (م ۵) زنجانی: مجتهد و اعلم و واجد سایر شرایط را از سه راه می توان شناخت: اول آنکه خود انسان از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم، و واجد سایر شرایط را بشناسد و بدان یقین یا اطمینان حاصل کند. در تشخیص مجتهد و اعلم لازم نیست خود انسان مجتهد باشد. دوم؛ آنکه از هر راهی برای انسان اطمینان حاصل شود یا برای نوع مردم در این شرایط اطمینان حاصل می شود، مثلاً عده ای از اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم و واجد شرایط را تشخیص دهند، واجد شرایط بودن کسی را تصدیق کنند و از گفته آنان برای شخص انسان یا نوع مردم اطمینان پیدا شود. سوم

آنکه دو نفر عالم عادل که می توانند واجد شرایط تقلید را تشخیص دهند، بدان گواهی دهند به شرط آنکه دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت ننمایند. بلکه ظاهراً شرایط تقلید به گفته یک نفر عالم عادل نیز ثابت می شود به شرط آنکه یک نفر عالم عادل برخلاف گفته وی سخنی نگویند... (مسأله ادامه دارد به رساله توضیح المسائل ایشان مراجعه کنید) (م ۳).

اصول دین و فروع دین

مکتب عزیز اسلام شامل دو بخش است : بخش اول : اصول دین
اصول دین اسلام شامل پنج اصل است : ۱- توحید؛ ۲- عدل؛ ۳- نبوت؛ ۴- امامت؛ ۵- معاد.
توجه

تقلید در اصول دین جایز نیست، و مسلمان باید در اصول دین یقین داشته باشد (۱)... (م)

۱. بخش دوم : فروع دین
به دستورهای خدا و تکالیف الهی و دینی <فروع دین> یا <احکام> می گویند که بخش مهمی از مکتب عزیز اسلام را تشکیل می دهند، و شامل برنامه صحیح زندگی است که از سوی خدا و به وسیله پیامبر گرامی اش حضرت محمد برای تأمین سعادت دنیا و آخرت انسانها فرستاده شده است. تعداد فروع دین و احکام اسلام بسیارند. مهمترین آنها عبارتند از: اول : نماز؛ دوم : روزه؛ سوم : خمس؛ چهارم : زکات؛ پنجم : حج ششم : جهاد؛ هفتم : امر به معروف (دستور به خوبیها و نیکیها)؛ هشتم : نهی از منکر (بازداشتن از بدیها و زشتیها)؛ نهم : توگی (دوستی با دوستان خدا)؛ دهم : تبری (دشمنی با دشمنان خدا)؛

۱- بهجت :... در اعتقادات تقلید جایز نیست ... (پیش از: م ۱ زنجانی : شخص مسلمان باید به اصول دین یقین داشته باشد، اگرچه از گفته دیگری برای او یقین حاصل شده باشد (م ۱ تبریزی : شخص مسلمان باید به اصول دین از روی دلیل اعتقاد پیدا کند و نمی

تواند در اصول دین تقلید نماید، یعنی بدون سؤال از دلیل، گفته کسی را قبول کند... (م ۱ مکارم: هیچ مسلمانی نمی تواند در اصول دین تقلید نماید، بلکه باید آنها را از روی دلیل - به فراخور (و متناسب) حال خویش - بداند... (م ۱).

انواع احکام الهی

همان گونه که گفته شد، در زمان غیبت امام زمان حضرت مهدی دستورهایی خدا و تکالیف الهی را از <مرجع تقلید> یاد می گیریم و به آنها عمل می کنیم. در یک تقسیم بندی، دستورهایی خدا و تکالیف الهی و احکام تکلیفی بر پنج نوعند:

۱- واجب

کاری را که به دستور خدا حتماً باید انجام دهیم <واجب> می گویند؛ مثلاً خواندن نماز و گرفتن روزه واجب است. اگر کارهای واجب را انجام دهیم خدا به ما ثواب (پاداش) می دهد، و اگر آنها را ترک کنیم به ما کیفر می دهد و ما را عقاب (مجازات) می کند. کار واجب، حکمش <وَجوب> است، و کارهای واجب را <واجبات> می نامند.

۲- حرام

کاری را که به دستور خدا حتماً نباید انجام دهیم <حرام> می گویند؛ مثلاً دروغگویی و آزار رساندن به دیگران حرام است. اگر کارهای حرام را ترک کنیم خدا به ما ثواب می دهد، و اگر آنها را انجام دهیم به ما کیفر می دهد و ما را عقاب می کند. کار حرام، حکمش <حُرمت> است، و کارهای حرام را <مُحرّمات> می نامند.

۳- مستحب

کاری را که به دستور خدا بهتر است انجام دهیم <مُستحب> می گویند؛ مثلاً شستن دستها پیش از غذا خوردن و پس از آن مستحب است. اگر کارهای مستحب را انجام دهیم خدا به ما ثواب می دهد، ولی اگر آنها را ترک کنیم به ما کیفر نمی دهد و ما را

عقاب نمی کند. کار مستحب و حکمش <استحباب> است، و کارهای مستحب را
<مُسْتَحَبَات> می نامند.

۴- مکروه

کاری را که به دستور خدا بهتر است انجام ندهیم <مکروه> می گویند؛ مثلاً خوردن غذای داغ مکروه است. اگر دکارهای مکروه را ترک کنیم خدا به ما ثواب می دهد، ولی اگر آنها را انجام دهیم به ما کیفر نمی دهد و ما را عقاب نمی کند. کار مکروه، حکمش <کراهت> است، و کارهای مکروه را <مکروهات> می نامند. ۵- مباح کاری که به دستور خدا انجام دادن و ترک آن برابر و یکسان است <مباح> می گویند؛ مثلاً دوچرخه سواری و راه در رفتن مباح است. کارهای مباح را چه انجام دهیم و چه ترک کنیم، نه خدا به ما ثواب می دهد و نه کیفر (۱). کار مباح، حکمش <اباحه> است، و کارهای مباح را <مباحات> می نامند. ۱- اگر کارهای مباح را به قصد قربت، یعنی برای انجام فرمان خداوند و نزدیک شدن به سوی او انجام دهیم، ثواب نیز می بریم

راههای به دست آوردن فتوای مرجع تقلید

دستور و نظر مجتهد و مرجع تقلید را <فتوا> می گویند. به دست آوردن فتوا، یعنی دستور مجتهد چهار راه دارد: اول: شنیدن از خود مجتهد (و مرجع تقلید)؛ (۱) دوم: شنیدن از دو نفر عادل که فتوای مجتهد (و مرجع تقلید) را نقل کنند (و برای ما بگویند)؛ (۲) سوم: خبر دادن یک نفر عادل به طوری که از قول (= گفته) او علم (= یقین) یا اطمینان حاصل شود. (۳) چهارم: دیدن فتوا در رساله (توضیح المسائل) (۴) مجتهد (و مرجع تقلید) در صورتی که انسان به درستی (و صحیح بودن) آن رساله اطمینان داشته باشد، (۵) یعنی بداند (۶) که تمام رساله را خود مجتهد (و مرجع تقلید) و یا افراد مورد وثوق (= مورد اطمینان) وی ملاحظه نموده اند (و دیده اند) (۷) (م) ۷. اعمال بدون تقلید

اگر مکلفی مدتی عبادات خویش را بدون تقلید انجام داده و مقدار آن عبادات را نداند، در این صورت اگر آن عبادات را طبق فتوای مجتهدی که باید از او تقلید می کرده است انجام داده باشد صحیح است. و اگر مطابق نباشد، واجب است به مقداری که یقین به برائت ذمه پیدا کند (یعنی بداند که دیگر تکلیفی بر عهده او نیست) قضا کند، البته در صورتی که مجتهد (و مرجع تقلید) قضا را واجب بدانند (۸) (م ۱۳).

۱- مکارم ... یا ملاحظه (و دیدن) دستخط او... (م ۷).

۲- مکارم: این مورد دوم را ندارند، ولی در مورد دیگری فرموده اند... مشهور بودن (فتوا) در میان مردم به طوری که سبب اطمینان شود (م ۷).

۳- بهجت... سوم شنیدن از کسی که مورد اطمینان و راستگوست، اگر اطمینان به کلام (و گفته) او دارد بنا بر احوط... (م ۷ تبریزی)... سوم شنیدن از کسی که انسان به گفته او اطمینان دارد... (م ۵ مکارم)... سوم شنیدن از کسی که مورد اعتماد است... (م ۷).

۴- رساله عملیه توضیح المسائل کتابی است که دستورها و نظریات و فتوای مرجع تقلید در آن نوشته شده است.

۵- بهجت: بنا بر احوط (م ۶).

۶- از عبارت (یعنی بدانند...) تا آخر متن اصلی در رساله مراجع دیگر دیده نشد.

۷- تبریزی: در این قسمت مسأله توضیحی دارند که مقلدان ایشان به رساله اش مراجعه کنند (م ۵ زنجانی): به دست آوردن فتوا یعنی نظر مجتهد دو راه دارد: اول از هر طریقی که علم یا اطمینان برای خود انسان یا نوع مردم بیاورد، مثل شنیدن از خود مجتهد یا دیدن در رساله مجتهد یا شنیدن از کسی که از گفته وی اطمینان حاصل شود. و در صورتی که انسان فتوایی را از خود مجتهد بشنود، ولی به جهتی - مثلاً مخالفت آن فتوا با رساله مجتهد - احتمال بدهد که مجتهد در نقل فتوای خود اشتباه کرده است، نمی تواند به گفته مجتهد اعتماد کند. همچنین تا به درستی رساله مجتهد اطمینان حاصل نشود، نمی توان بدان عمل کرد. دوم شنیدن از یک نفر عادل ضابط که فتوای مجتهد (۲۲) را نقل

کند، و مراد از ضابط کسی است که اشتباهش در نقل، از متعارف مردم بیشتر نباشد (م ۵).

۸- بهجت: اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، در صورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفه واقعی خود رفتار کرده است، یا عمل او با فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلید از او بوده، یا با فتوای مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند مطابق باشد، و عباداتی را که قبلاً انجام داده با قصد قربت (و نزدیک شدن به سوی خدا و برای انجام فرمان او) انجام داده باشد (م ۲۰ تبریزی (م ۱۴ و زنجانی (م ۱۴): اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، سپس از مجتهدی تقلید نماید، در صورتی که آن مجتهد به صحت اعمال گذشته حکم نماید، آن اعمال صحیح است و الاً محکوم به بطلان است (و اعمال او باطل است) مکارم: هرگاه کسی مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام داده، سپس تقلید کند، اگر اعمال سابق (و گذشته) مطابق فتوای این مجتهد باشد صحیح است، و گرنه باید اعاده کند (یعنی دوباره آنها را انجام دهد)، همچنین است اگر بدون تحقیق (و جستجوی) کافی از مجتهدی تقلید نموده (است) (م ۱۴).

احکام وضو

وضو و احکام آن

۱- در وضو واجب است (۱) صورت و دستها را بشویند و جلوی سر و روی پاها را مسح کنند (م ۲۳۸. ۲- درازای صورت را باید از بالای پیشانی - جایی که موی سر بیرون می آید - تا آخر چانه شست، و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط (۲) و شست (۴) قرار می گیرد، باید شسته شود، و اگر مختصری (= کمی) از این مقدار را نشوید وضو باطل است. و برای آنکه یقین کند (۵) این مقدار کاملاً شسته شده، باید کمی از اطراف آن را هم بشوید (م ۲۳۹. ۳- بعد از شستن صورت باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید (۶) (م ۲۴۷. ۴- بعد از شستن هر دو دست باید جلوی

سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح (۷) کند (۸) (وبکشد)، و لازم نیست با دست راست باشد یا از بالا به پایین مسح نماید (۹) (م ۲۵۱. ۵- بعد از مسح سر باید باتری آب وضو که در دست مانده، روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند (۱۴۵) (م ۲۵۴. توجه

اگر احتمال دهد چرک یا چیز دیگری در ابروها و گوشه های چشم و لب او هست که نمی گذارد آب به آنها برسد، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد، باید پیش از وضو (۱۰) بررسی کند که اگر هست برطرف نماید (۱۱) (م ۲۴۱. اگر دست را تر کند و به صورت و دستها بکشد، (۱۲) چنانچه (۱۳) تری دست به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست، آب کمی بر آنها جاری شود کافی است (م ۲۴۶. شستن توی بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی شود واجب نیست (۱۴)، ولی برای رآنکه یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده است، مقداری از آنها را هم بشوید (۱۵) (م ۲۴۴. باید صورت (۱۶) را بنابر احتیاط واجب از بالا به پایین شست، و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است، پ و دستها را باید از مرفق (= آرنج) به طرف سرانگشتان بشوید (۱۷) (م ۲۴۵. برای آنکه یقین کند آرنج را کاملاً شسته، باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید (۱۸) (م ۲۴۸. کسی که پیش از شستن صورت، دستهای خود را تا میچ شسته، در موقع وضو باید تا سرانگشتان را بشوید، و اگر فقط تا میچ را بشوید وضوی او باطل است (م ۲۴۹ یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است جای مسح می باشد، و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند کافی است (۱۹) (م ۲۵۲. لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است. ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند (۲۰) روی قسمتی از پیشانی می ریزد، یا به جاهای دیگر سرژی می رسد، باید (۲۱) بیخ موها را مسح کند (۲۲)، یا فرق سر را باز کرده پوست سر را مسح نماید. و اگر موهایی

را که چ به صورت می ریزد یا به جاهای دیگر سر می رسد جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید، یا بر موی جاهای دیگر سر که جلوی آن آمده مسح کند باطل است (م ۲۵۳). پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است (۲۳) (م ۲۵۵). بنابر احتیاط واجب باید در مسح پا دست را بر سر انگشتها بگذارد و روی پا را بتدریج مسح کند، و اگر همهء دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد صحیح نمی باشد (۲۴) (م ۲۵۶). در مسح سر و روی پا باید دست را روی آنها بکشد، و اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را حرکت دهد (۲۵) وضو باطل است (۲۶)، ولی اگر موقعی که دست را می کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد (م ۲۵۷). جای مسح باید خشک باشد (۲۷)، و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند مسح باطل چاست، ولی اگر تری آن به قدری کم باشد که رطوبتی که بعد از مسح در آن دیده می شود بگویند فقط از تری کف دست است اشکال ندارد (م ۲۵۸). یادآوری غیر از وضوی ترتیبی وضوی دیگری وجود دارد که با فرو بردن صورت و دستها در آب انجام می شود و به ح آن <وضوی ارتِماسی> می گویند. برای دانستن احکام و جزئیات آن به رسالهء توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

- ۱- بهجت : واجب است با نیت صورت و دستها را بشویند... (م ۲۳۷).
- ۲- تبریزی :... به مقداری که بین انگشت وسط قرار می گیرد... (م ۲۴۳).
- ۳- بهجت :... بین انگشت وسط و شست یعنی انگشت بزرگ که ابهام و انگشت میانی که وسطی است قرار می گیرد... (م ۲۳۸).
- ۴- زنجانی : از عبارت (و برای آنکه یقین کند...) تا آخر مسأله در رسالهء ایشان دیده نشد (م ۲۴۳).
- ۵- بهجت :... بشوید به طوری که تمام دستها شسته شود (م ۲۴۵).
- ۶- مسح = دست کشیدن .
- ۷- تبریزی :... و احتیاط واجب آن است که با دست راست مسح نماید (م ۲۵۵ مکارم :...

- و بنابر احتیاط واجب ، لازم است با دست راست باشد... (م ۲۶۹).
- ۸- بهجت :... و احتیاط واجب در مسح سر از بالا به پایین است و با دست راست اولی (و بهتر) است (م ۲۴۹ زنجانی : و احتیاط آن است که با داخل دست راست مسح نماید و مسح را از بالا به پایین انجام دهد) (م ۲۵۵).
- ۹- تبریزی :... و احتیاط واجب آن است که تا مَفْصَل (انتهای روی پا) مسح نماید. و پای راست را با دست راست و بعد پای چپ را با دست چپ مسح کند (م ۲۵۸ زنجانی : و احتیاط آن است که تا مَفْصَل را هم مسح نماید (م ۲۵۸).
- ۱۰- بهجت : یا وقت شستن آنها را واری کند (م ۲۳۹).
- ۱۱- مکارم : صورت و دستها را باید آنچنان شُست که آب به پوست بدن برسد، و اگر موانعی وجود دارد باید برطرف کند، حتی اگر احتمال مانع می دهد باید واری نماید (م ۲۵۹).
- ۱۲- بهجت : باید بنا بر احتیاط تری دست به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست ، کمی آب بر آنها جاری شود (م ۲۴۴).
- ۱۳- مکارم :... چنانچه تری دست به قدری باشد که به آن شستن گفته شود کافی است (م ۲۶۵).
- ۱۴- مکارم : از اینجا به بعد در رساله ایشان دیده نشد (م ۲۶۲ زنجانی : و شستن ظاهر بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده می شود لازم است (م ۲۴۸).
- ۱۵- بهجت : و کسی که نمی دانسته باید این مقدار را بشوید، اگر نداند در وضوهایی که گرفته این مقدار را شسته یا نه ، نمازهایی که خوانده صحیح است (م ۲۴۲ تبریزی : و کسی که نمی دانسته باید این مقدار را بشوید، اگر نداند در وضوهایی که گرفته این مقدار را شسته یا نه ، نمازی را که با آن وضو خوانده و وقتش باقی است با وضوی جدید اعاده نماید (و دوباره بخواند) و قضای نمازهایی که وقتش گذشته ، واجب نیست (م ۲۴۸).
- ۱۶- زنجانی (م ۲۵۰ و تبریزی (م ۲۴۹ و مکارم (م ۲۶۴: باید صورت و دستها را از بالا به

پایین

شست

- ۱۷- بهجت: باید صورت و دستها را از بالا به پایین شست, و اگر از پایین به بالا بشوید و به همان شستن اکتفا کند, بلکه مطلقاً در بعضی موارد, وضو باطل است. و احتیاط واجب آن است که در هر عضو ابتدا قسمتهای بالاتر و سپس قسمتهای پایین تر را بشوید, و رعایت ترتیب عرفی کافی است (م) ۲۴۳.
- ۱۸- زنجانی: این مسأله در رسالهء ایشان دیده نشد.
- ۱۹- بهجت: و واجب است در صورت امکان مسح با کف دست باشد نه با پشت آن (م) ۲۵۰
- ۲۵۰- زنجانی: و هر جای این قسمت را مسح کند کافی است, و بنابر احتیاط از پهنای به اندازهء پهنای سه انگشت بسته مسح نماید... (م) ۲۵۶.
- ۲۰- بهجت (م) ۲۵۱ و تبریزی (م) ۲۵۷ و زنجانی (م) ۲۵۷: که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می ریزد...
- ۲۱- زنجانی: باید قسمتی از موها را که پس شانه کردن در جلو سر قرار می گیرد مسح کند... (م) ۲۵۷. ۲۲- مکارم: از اینجا به بعد در رسالهء ایشان دیده نشد (م) ۲۷۱.
- ۲۳- مکارم: از نظر عرض کافی است به اندازهء یک انگشت مسح کند (م) ۲۷۳ زنجانی: احتیاط آن است که مسح پا به اندازهء پهنای سه انگشت بسته باشد... (م) ۲۵۹.
- ۲۴- بهجت (م) ۲۵۴ و مکارم (م) ۲۷۳: اگر در مسح پا همهء دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد صحیح است تبریزی: احتیاط واجب آن است که در مسح پا دست را بر سر انگشتها بگذارد و بعد به پشت پا بکشد یا آنکه (؟) دست را به مفصل گذاشته و تاسر انگشتها بکشد, نه آنکه تمام دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد (م) ۲۶۰ زنجانی: احتیاط آن است که در مسح پا دست را بر سر انگشتان بگذارد و بعد به پشت پا بکشد, یا آنکه دست را به مفصل گذاشته و تاسر انگشتان بکشد, نه آنکه تمام دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد (م) ۲۶۰.
- ۲۵- زنجانی: و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است ... (م) ۲۶۱.

- ۲۶- مکارم : بنا بر احتیاط واجب (م) ۲۷۴.
- ۲۷- مکارم : ولی اگر مختصری رطوبت داشته باشد به طوری که آب دست هنگام مسح بر آن غلبه کند اشکال ندارد (م) ۲۷۵.

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

برای شش چیز وضو گرفتن واجب است . برخی از آنها عبارتند از: ۱- برای نمازهای واجب غیر از نماز میّت (= مُرده). (۱) ۲- برای طواف واجب خانهء کعبه (= برای دور خوردن واجب به دور خانهء خدا). ۳- اگر (انسان) نذر یا عهد کرده یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد. (۲) ۴- اگر (۳) (انسان) نذر کرده باشد که جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند (م) ۳۱۸. برای دانستن موارد دیگر به رسالهء توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

توجه

مسّ نمودن خط قرآن ، یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن برای کسی که وضو ندارد حرام است (۴)، ولی اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه (و معنا) کنند، مس آن اشکال ندارد (م) ۳۱۹. جلوگیری بچه و دیوانه از مس خط قرآن (۵) واجب نیست ، ولی اگر مس نمودن آنان بی احترامی به قرآن (۶) باشد باید از آنان جلوگیری کنند (م) ۳۲۰. کسی که وضو ندارد، خوب است (۷) اسم خداوند متعال (= بزرگ) را به هر زبانی که نوشته شده باشد، مس ننماید (م) ۳۲۱. ۱- تبریزی (م) ۳۲۲ و زنجانی (م) ۳۲۲: در نمازهای مستحب ، وضو فقط شرط صحت است .

۲- زنجانی : یا به جهت اجاره یا شرط در معاملات یا دستور کسی که اطاعت آن لازم است ، وضو واجب شده باشد (م) ۳۲۲.

۳- زنجانی : اگر نذر یا عهد کرده یا قسم خورده باشد که جایی از بدن خود را به خط قرآن و مانند آن ، که مس آنها بدون وضو جایز نیست ، یا به جهت اجاره یا شرط یا

دستور کسی که اطاعت آن لازم است، رساندن جایی از بدن خود به خط قرآن و مانند آن بر او لازم شده باشد (م ۳۲۲).

۴- بهجت: ولی تماس موی انسان با خط قرآن بنابر اظهر مانعی ندارد، حتی اگر کوتاه باشد (م ۳۲۱). ۵- زنجانی: مس خط قرآن و مانند آن واجب نیست... (م ۳۲۴).

۶- زنجانی: بی احترامی به قرآن و مانند آن باشد... (م ۳۲۴).

۷- بهجت: حرام است مس نماید. و احتیاط واجب آن است که اسم پیغمبر ۶ و امام ۷ و حضرت زهرا ۳ را هم مس ننماید (م ۳۲۳ تبریزی: بنابر احتیاط حرام است مس نماید، و بهتر آن است که اسم مبارک پیغمبر و امام و حضرت زهرا: را هم مس ننماید (م ۳۲۵ مکارم: حرام است بنابر احتیاط واجب و مس اسم مبارک پیامبر ۶ و ائمه هدی و حضرت زهرا: نیز اگر هتک حرمت و بی احترامی باشد حرام است (م ۳۴۰ زنجانی: کسی که وضو ندارد بنابر احتیاط حرام است اسم خداوند متعال و صفات خاصه او (مانند رحمان) را - به هر زبانی که نوشته شود - مس نماید، بلکه بنابر احتیاط مستحب اسم مبارک پیغمبر و امام و حضرت زهرا: را هم مس نمایند (م ۳۲۵).

شرایط صحیح بودن وضو

شرایط صحیح بودن وضو چند چیز است. برخی از آنها عبارتند از: ۱- آنکه آب وضو پاک باشد (و نجس نباشد). ۲- آنکه آب وضو مطلق باشد (و مضاف نباشد). ۳- آنکه اعضای وضو (مانند مچ دست) موقع شستن و مسح کردن پاک باشند (۱). ۴- آنکه به قصد قُربت (۲)، یعنی (۳) برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد، و اگر برای خنک شدن و یا به قصد دیگری وضو بگیرد باطل است (۴). ۵- آنکه وضو را به ترتیبی که گفته شد به جا آورد، یعنی اول صورت و بعد دست راست و بعد دست چپ رابشوید و بعد از آن، سر و بعد پاها را مسح نماید، و بنابر احتیاط واجب (۵) باید پای راست را پیش از پای چپ مسح کند (۶)، و اگر به این ترتیب وضو نگیرد باطل است. ۶- آنکه کارهای

وضو را پشت سر هم (و بدون فاصله) انجام دهد. ۷- آنکه استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد (مثلاً استفاده از آب برای او ضرر نداشته باشد و او را مریض نکند). ۸- آنکه در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد (مثلاً لکهء رنگ روی کف دست یا لاک، روی ناخن نباشد) (م ۲۶۷ تا ۲۹۲). وضو شرایط دیگری نیز دارد. برای دانستن آنها به رسالهء توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

توجه

اگر زیر ناخن چرک باشد وضو اشکال ندارد، ولی اگر ناخن را بگیرند باید برای وضو آن چرک را (۷) برطرف کنند. و نیز اگر ناخن بیشتر از معمول بلند باشد (۸) و چرک زیر آن جزء ظاهر به حساب آید (۹)، باید چرک زیر مقداری را که از معمول بلندتر است برطرف نمایند (م ۲۹۳).

یادآوری

اگر (انسان) شک کند که وضوی او باطل شده یا نه، بنا می گذارد که وضوی او باقی است ... (م ۳۰۲). کسی که شک دارد وضو گرفته یا نه، باید وضو بگیرد (م ۳۰۳). اگر (انسان) بعد از نماز شک کند که وضو گرفته یا نه (۱۰)، نماز او صحیح است، ولی (۱۱) باید برای "نمازهای بعد وضو بگیرد (م ۳۰۵). اگر (انسان) در بین نماز شک کند که وضو گرفته یا نه (۱۲)، نماز او باطل است و باید وضو بگیرد و نماز را (دوباره) بخواند (۱۳). (م ۳۰۶). اگر (انسان) بعد از نماز شک کند که قبل از نماز وضوی او باطل شده یا بعد از نماز، نمازی که خوانده صحیح است (۱۴) (م ۳۰۷).

۱- بهجت: مگر اینکه به وسیلهء وضو گرفتن و شستن صورت و یا دستها، اعضای وضو خود به خود پاک شود (پس از: م ۲۷۸ مکارم: اما اگر بعد از تمام شدن وضوی یک عضو، همان عضو نجس شود، وضو صحیح است (م ۲۹۸).

۲- قُرْبَت یعنی نزدیک شدن، و قصد قربت یعنی قصد نزدیک شدن به سوی خدا و انجام فرمان او.

- ۳- زنجانی : یعنی برای رضای خداوند عالم وضو بگیرد... (پس از: م ۲۸۷).
- ۴- بهجت : ولی اگر به قصد قربت وضو بگیرد و قصد دیگری مثل خنک شدن تابع (و به دنبال) قصد وضو باشد، اشکال ندارد. (پس از: م ۲۸۴ مکارم : ولی اگر تصمیم قطعی دارد که برای اطاعت فرمان خدا وضو بگیرد در ضمن می داند خنک هم می شود ضرری ندارد (م) ۳۰۴.
- ۵- بهجت : در مسح دو پا احتیاط مستحب آن است که مسح پای راست را با دست راست بر مسح پای چپ با دست چپ مقدم بدارد (پس از: م ۲۸۵ زنجانی : و باید پای چپ را پیش از پای راست مسح نکند و بنا بر احتیاط همزمان نیز مسح ننماید... (پس از: م ۲۸۸).
- ۶- مکارم : بنا بر احتیاط پای چپ را پیش از پای راست مسح نکند (م) ۳۰۷.
- ۷- مکارم : باید آن چرک را که مانع رسیدن آب به بدن است برطرف کنند (م) ۳۱۷.
- ۸- مکارم : و چرک زیر آن مانع رسیدن آب وضوست، باید آن را برطرف سازد (م) ۳۱۷.
- ۹- این قسمت از مسأله، یعنی (چرک زیر آن جزء ظاهر به حساب آید) در رسالهء مراجع دیگر دیده نشد. ۱۰- تبریزی : در صورتی که احتمال بدهد که در حال شروع به نماز مُلتفت (و متوجه) حالش بوده است، نماز صحیح است (م) ۳۱۰ زنجانی : در صورتی که احتمال بدهد در حال شروع به نماز ملتفت بوده - ولو اجمالاً - که باید وضو داشته باشد، نمازش صحیح است (م) ۳۱۰.
- ۱۱- زنجانی : ولی احتیاط آن است که برای نمازهای دیگر وضو بگیرد (م) ۳۱۰.
- ۱۲- مکارم : بنا بر احتیاط واجب نماز را تمام کند و بعد از آن، وضو بگیرد و اعاده نماید (و) دوباره بخواند (م) ۳۲۷.
- ۱۳- زنجانی : اگر در بین نماز شک کند که وضو گرفته یا نه، در صورتی که احتمال بدهد در حال شروع نماز مُلتفت - ولو اجمالاً - بوده که باید وضو داشته باشد، نمازش صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که نمازش را رَجَاءً (و به امید آنکه مطلوب پروردگار است) تمام کرده و وضو گرفته و نماز را از سر بخواند، و بنا بر احتیاط برای

نمازهای بعد وضو بگیرد (م ۳۱۱ بهجت: مگر اینکه به امید صحیح بودن و نماز را بخواند، بعد اگر فهمید که وضو داشته نمازش بنابر اَظْهَر صحیح است. و همچنین است اگر قبل از نماز شک کرد که وضو دارد یا نه، ولی گمان به وضو داشت (م ۳۰۹).
 ۱۴- مکارم: این مسأله در رساله ایشان دیده نشد زنجانی: اگر بعد از نماز بفهمد که وضوی او باطل شده، ولی شک کند که قبل از نماز باطل شده یا بعد از نماز، چنانچه احتمال بدهد که در هنگام شروع نماز التفتات (وتوجه) به شرایط صحت نماز داشته است، و نمازی که خوانده صحیح است (م ۳۱۲).

چیزهای که وضو را باطل می کند

هفت چیز وضو را باطل می کنند و از بین می برند که به آنها <مُبَطَّلَات (۱) وضو> می گویند. برخی از آنها عبارتند از: اول: بُول (ادرار). دوم: غَائِط (مدفوع). سوم: باد معده و روده که از مخرج غائط خارج شود. (۲) چهارم: خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود، ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود وضو باطل نمی شود. (۳) پنجم: چیزهایی که عقل را از بین می برد، مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی. (۴) ششم: کاری که برای آن باید غسل کرد... (۵) (م ۳۲۵). برای دانستن مورد دیگر از مبطلات وضو به رساله توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

۱- مُبَطَّلَات = باطل کننده ها؛ از بین برنده ها.

۲- بهجت: یا از غیر مخرج (خارج شود) اگر این عنوان بر آن صدق نماید (م ۳۲۷).

۳- بهجت: و همچنین است اگر گوش هم نشنود ولی نخوابیده باشد، مثل اینکه به ادامه فکر سابق مشغول باشد (م ۳۲۷).

۴- مکارم: بنابر احتیاط واجب (م ۳۴۴).

۵- بهجت: و بنابر احوط مس میت اگر غسل برای آن کافی نبوده و نیاز به وضو نیز داشته

باشد (م ۳۲۷ مکارم: هشتم مس میت انسان (م ۳۴۴ زنجانی: و باطل شدن وضو در مس میت بنابر احتیاط است (م ۳۲۹).

احکام نماز

وقت نماز و جهت نماز (قبله)

مُقَدَّمات نماز یا کارهای پیش از نماز بر دو نوع هستند: أ - مقدمات مستحب نماز، مانند خواندن اذان و اقامه پیش از نمازهای واجب شبانه روزی. ب - مقدمات واجب نماز که به آنها <شرایط نماز> نیز می گویند و آنها عبارتند از:

۱- وقت نماز

بسیاری از نمازها وقت معینی دارند، یعنی اگر نمازهای خود را در آن وقت معین خواندیم نمازمان صحیح است. و اگر پیش از وقت یا پس از وقت آن خواندیم، نمازمان باطل است. یکی از این نمازها، نمازهای واجب پنجگانه یومیه (شبانه روزی) است که وقت آنها به این صورت است: وقت نماز صبح: از اذان صبح تا طلوع آفتاب است. وقت نماز ظهر و عصر: از اول ظهر شرعی تا مغرب شرعی است. وقت نماز مغرب و عشا: از اول مغرب شرعی تا نصف شب است. به نمازی که در وقت معین خودش خوانده می شود <نماز آدا> می گویند؛ مثلاً اگر نماز صبح پس از اذان صبح و پیش از طلوع آفتاب خوانده شود، به آن، نماز آدا می گویند. به نمازی که در وقت معین خودش خوانده نمی شود، و به جای آن پس از وقت معین خودش خوانده می شود <نماز قضا> می گویند؛ مثلاً اگر نماز صبح پیش از طلوع آفتاب خوانده نشود و به جای آن پس از طلوع آفتاب خوانده شود، به آن، نماز قضا می گویند. باید مواظب بود که نمازهایمان قضا نشود، یعنی هر نمازی در وقت معین خودش خوانده شود، ولی هرگاه نماز واجبی در وقت معین خودش خوانده نشود، باید قضای آن را به جا آورد.

۲- قبله و جهت نماز

خانهء کعبه (یا همان خانهء خدا) که در (شهر) مکهء مُعَظَّمه می باشد، قبله است و باید روبه روی آن نماز دخواند (۱)، ولی کسی که دور است (۲) اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند کافی است ... (م) ۷۷۶.

۱- بهجت: و همین قدر که گمان بکند روبه روی قبله است و گمان او عقلائی باشد کافی است (م) ۶۵۰.

۲- زنجانی: باید روبه روی آن نماز خواند و اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند، کافی است ... (م) ۷۸۴.

مکان نماز گزار شرایط

مکان نماز گزار دارای شرایطی است. برخی از آنها عبارتند از: شرط اول: آنکه مُباح (و غیر غَصَبی) باشد (۱) (پس از: م ۸۷۷. شرط دوم: مکان نماز گزار اگر نجس است نباید به طوری تر باشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد، مگر (۲) نجاستی باشد که در نماز مَعْفُو (= بخشوده شده) است (۳)، ولی جایی که پیشانی را بر آن می گذارد اگر نجس باشد در صورتی که خشک هم باشد نماز باطل است ... (۴) (م) ۹۰۰. مکان نماز گزار احکام و شرایط دیگری نیز دارد. برای دانستن آنها به رسالهء توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید. یادآوری

کسی (۵) که در مسجد نشسته اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب (۶) باید دوباره نمازش را در محل دیگری بخواند (۷) (م) ۸۸۰. (۸) ... روی چیزی که ایستادن و نشستن روی آن حرام است، مانند فرش یا روزنامه ای که اسم خدا و آیات قرآن بر آن نوشته شده نباید نماز بخواند، ولی اگر خواند نمازش صحیح است (۹) اما مرتکب حرام شده است (۱۰) (م) ۸۹۶. در نماز (۱۱)، زن (و دختر) باید عقبتر از مرد (و پسر) بایستد (۱۲)، و بهتر است (۱۳) جای سجدهء زن از جای ایستادن مرد کمی عقبتر باشد. بنابراین اگر زن جلوتر یا مساوی مرد بایستد نماز باطل است، و در

- این حکم، مَحْرَم و غیرمحرّم، زن و شوهر تفاوتی ندارند، نماز واجب یا مستحب فرق ندارد. (م ۹۰۱. اگر زن در کنار مرد یا (۱۴) جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند نماز هر دو باطل است (۱۵)، اما اگر یکی قبلاً وارد نماز شده باشد نماز او (۱۶) صحیح و نماز دومی باطل است (م ۹۰۲. اگر میان مرد و زن دیوار یا پرده یا چیز دیگری باشد که یکدیگر را ببینند (۱۷)، یا بین آنها ده ذراع که تقریباً پنج متر است فاصله باشد، نمازشان صحیح است (م ۹۰۳. بودن (۱۸) مرد با زن نامحرّم در جای خلوت که دیگری نمی تواند به آنجا وارد شود (۱۹)، حرام است (۲۰) خو نمازشان صحیح نیست، ولی اگر یکی از آنها مشغول نماز باشد و دیگری که با او نامحرّم است وارد شود، نماز او! اشکال ندارد (۲۱) (م ۱- زنجانی (پیش از: م ۸۷۵ و مکارم (م ۷۹۲: بنابر احتیاط واجب .
- ۲- بهجت: مگر اینکه طوری تر باشد که اگر نجاست به بدن یا لباس سرایت کرد، نماز را باطل نکند (م ۷۴۰ زنجانی: برسد و آن را به نَحْوِ نجس کند که نتواند در آن نماز بخواند... (پس از: م ۸۹۴
- ۳- بهجت (م ۷۴۰ و تبریزی (پس از: م ۸۹۵ و زنجانی (پس از: م ۸۹۴: عبارت (مگر نجاستی باشد که در نماز معفو است) در رسالهء ایشان دیده نشد.
- ۴- مکارم: این مسأله در رسالهء ایشان دیده نشد.
- ۵- زنجانی: کسی که در مکانی نشسته، مسجد باشد یا نباشد... (م ۸۷۷.
- ۶- تبریزی (م ۸۷۷ و زنجانی (م ۸۷۷: قید (بنابر احتیاط واجب) را ندارند و فرموده اند: نمازش باطل است.
- ۷- تبریزی: مگر آنکه شخص اولی از آنجا اعراض (و دوری) کند (و روی از آنجا برگرداند) (م ۸۷۷،
- ۸- بهجت: این مسأله در رسالهء ایشان دیده نشد.
- ۹- تبریزی: بنابر احتیاط صحیح نیست (م ۸۹۳ مکارم: احتیاط واجب اعاده (و دوباره خواندن نماز) است (م ۸۰۸،

- ۱۰- بهجت : این مسأله در رسالهء ایشان دیده نشد زنجانی : بنابر احتیاط واجب ... نماز نخواند (پیش از:م ۸۹۳
- ۱۱- بهجت : نماز خواندن زن جلوتر از مرد یا مساوی و همدوش با مرد مکروه است بنابر اظهر (م ۷۴۱ زنجانی : طبق فتوا و نظر ایشان اگر زن و مرد در کنار هم نماز بخوانند یا زن جلوتر از مرد نماز بخواند، نمازشان باطل نیست و صحیح است (با استفاده از: م ۸۹۵
- ۱۲- تبریزی : باید بین مرد و زن در حال نماز اقلأ مقدار یک و جب فاصله باشد، و فرقی نمی کند زن جلوتر بایستد یا مرد و یا مساوی هم بایستند، ولی رعایت فاصله در شهر مکه لازم نیست (پیش از: م ۸۹۶
- ۱۳- مکارم : و (باید) جای سجدهء او (= زن) از جای سجدهء مرد کمی عقبتر باشد و الا نماز باطل است ... ولی اگر میان مرد و زن دیوار یا پرده و مانند آن باشد، یا به اندازه ده ذراع (تقریباً ۵ متر) فاصله باشد اشکال ندارد (م ۸۱۱
- ۱۴- تبریزی : یا کمتر از یک و جب جلوتر بایستد (م ۸۹۶
- ۱۵- بهجت : با توجه به نظر ایشان مبنی بر کراهت چنین نمازی که در بالا گفته شد، نماز هر دو صحیح است زنجانی : طبق فتوا و نظر ایشان نمازشان باطل نیست و صحیح است (با استفاده از: م ۸۹۶
- ۱۶- تبریزی : بنابر اظهر صحیح است (م ۸۹۶
- ۱۷- تبریزی : نماز هر دو صحیح است ، اگرچه بین آنها یک و جب هم فاصله نباشد (م ۸۹۷ زنجانی :... یا) **لَا مَكَانَ** یکی از آنان به قدری بلند باشد که نگویند زن جلوتر از مرد یا برابر او ایستاده است ، نماز هر دو بی اشکال صحیح است (م ۸۹۷
- ۱۸- زنجانی : بودن مرد و زن نامحرم در جایی که کسی در آنجا نیست و کسی هم نمی تواند وارد شود، در صورتی که احتمال وقوع در معصیت (و گناه) را بدهند، حرام و بنابر احتیاط واجب نماز در آنجا باطل است ، بلکه در صورتی که احتمال وقوع در معصیت را هم ندهند، بنابر احتیاط حرام و نمازشان باطل است ، و اگر مشغول نماز باشد و کسی

- که با او نامحرم است وارد شود نیز همین حکم جاری است (م ۸۹۸، ۱۹- تبریزی: یا وارد شونده مانع از ابتلا (و انجام) معصیت نمی شود، در صورتی که احتمال وقوع در معصیت را بدهند جایز نیست، ولیکن اگر آنجا نماز بخواند صحیح است (م) ۸۹۸
- ۲۰- مکارم: اشکال دارد و احتیاط واجب ترک آن است، و نماز خواندن در آنجا نیز اشکال دارد (م) ۸۱۴
- ۲۱- بهجت: این مسأله در رساله ایشان دیده نشد.

احکام نماز

در هنگام مسافرت و طبق شرایطی، مثل آنکه سفر انسان کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد، باید نمازهای چهار رکعتی را به صورت دو رکعتی بخوانیم. برای دانستن شرایط نماز مسافر و احکام آن به رساله توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید. توجه

اگر (۱) در نماز ظهر یا عصر نیت کند که چهار رکعت نماز می خوانم و معین نکند که نماز ظهر است یا عصر (۲)، نماز او باطل است (۳). و نیز کسی که مثلاً قضای نماز ظهر بر او واجب است، اگر در وقت نماز ظهر بخواند نماز قضا یا نماز ظهر را بخواند، باید (۴) نمازی را که می خواند در نیت معین کند (۵) (م ۹۶۶. بر مرد (و پسر) واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند، و بر مرد (و پسر) و زن (و دختر) واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخواند (م ۱۰۱۳. زن (و دختر) می تواند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود (۶)، بنابر احتیاط واجب (۷) باید آهسته بخواند (م ۱۰۱۵. انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند، و کسی که به هیچ قسم نمی تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می تواند بخواند... (م ۱۰۱۸. بر مرد (و پسر) و زن (و دختر) واجب

است که در رکعت سوم و چهارم نماز، حمد یا تسبیحات را آهسته بخواند (م ۱۰۲۸). اگر در جایی که باید نماز را بلند خواند، (نماز گزار) عمداً آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته خواند عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است. ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد (۸) صحیح است (۹)، و اگر در بین خواندن حمد و سوره هم بفهمد اشتباه کرده (۱۰)، لازم نیست (۳۰۵) مقداری را که خوانده دوباره بخواند (م ۱۰۱۶). اگر (نماز گزار) پیش از آنکه به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً (۱۱) ذکر رکوع را بگوید (۱۲) نمازش باطل (۱۳) است (۱۴) (م ۱۰۵۳). اگر (نماز گزار) پیش از تمام شدن ذکر واجب عمداً سر (۱۵) از رکوع بردارد (۱۶) نمازش باطل است، و اگر دستها را (و غیر عمدی) سر بردارد، چنانچه پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود یادش بیاید (۱۸) که ذکر در رکوع را تمام نکرده، باید در حال آرامی بدن دوباره ذکر را بگوید، و اگر بعد از آنکه از حال رکوع خارج شد یادش بیاید (۱۹)، نماز او صحیح است (۲۰) (م ۱۰۵۴). اگر پیش از آنکه پیشانی به زمین برسد و بدن آرام گیرد، (نماز گزار) عمداً ذکر سجده را بگوید (۲۱)، یا پیش باز تمام شدن ذکر عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است (۲۲) (م ۱۰۷۲). اگر پیش از آنکه پیشانی به زمین برسد و بدن آرام گیرد (۳۱۸)، (نماز گزار) سهواً ذکر سجده را بگوید، و پیش از آنکه سر از سجده بردارد بفهمد اشتباه کرده، باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید (م ۱۰۷۳). اگر (۳۱۹) (نماز گزار) موقعی که ذکر سجده را می گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد (۳۲۰)، نماز باطل می شود (۳۲۱). ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست، اگر غیر پیشانی جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد اشکال ندارد (م ۱۰۷۵). باید بین پیشانی (نماز گزار) و آنچه بر آن سجده می کند، چیزی (مانند موها یا چادر، فاصله نباشد...) (م ۱۰۸۱). در سجده... اگر به واسطه بلند بودن ناخن، سر شست به زمین نرسد، نماز باطل است... (۲۸) (م ۱۰۸۳). (در نماز جماعت،) مأموم (= کسی که پشت سر پیش نماز و امام جماعت نماز می خواند) باید غیر از حمد و حسوره، همه چیز نماز را

- خودش بخواند، ولی اگر رکعت اول یا دوم او، رکعت سوم یا چهارم امام (جماعت) باشد، ۷ اید حمد و سوره را (با صدای آهسته) بخواند (م ۱۴۸۲، ۱- زنجانی: در نیت نماز باید ظهر یا عصر بودن نماز را معین کند و گو به نحو اجمال، مثل آنکه نیت کند: آنچه بر من واجب شده به جای می آورم، پس اگر در نماز ظهر یا در نماز عصر نیت کند که چهار رکعت نماز می خوانم و به نحو اجمال هم معین نکند ظهر است یا عصر، نماز او باطل است (م) ۹۵۳.
- ۲- بهجت: و تصمیم هیچ کدام از این دو را نداشته باشد (م ۷۸۰).
- ۳- مکارم: در موقع نیت باید قصد کند که نماز ظهر می خواند یا عصر یا نمازهای دیگر (م) ۸۶۶.
- ۴- مکارم: بنابر احتیاط واجب (م) ۸۶۶.
- ۵- بهجت: بنابر احوط (م) ۷۸۰.
- ۶- بهجت: باید آهسته بخواند، در صورتی که شنیدن صدای او حرام باشد، مثلاً ترس فتنه و لذت بردن در بین باشد بنابر اظهر (م) ۸۱۸.
- ۷- زنجانی (م ۱۰۰۳ و مکارم (م ۹۰۶): بنابر احتیاط مستحب.
- ۸- بهجت: یا مسأله را نداند و احتمال خلاف هم ندهد و تردید (و شک) در صحت عملش نداشته باشد، به طوری که قصد قربت از او حاصل بشود، نمازش صحیح است (م) ۸۱۹.
- ۹- مکارم: مگر اینکه در یاد گرفتن مسأله کوتاهی کرده باشد که بنابر احتیاط واجب اعاده می کند (و دوباره نماز را می خواند) (م ۹۰۸).
- ۱۰- زنجانی: بفهمد فراموش کرده ... (م ۱۰۰۴).
- ۱۱- بهجت: بنابر اظهر (م) ۸۱۹.
- ۱۲- زنجانی: با علم و عمد... (م ۱۰۴۱).
- ۱۳- تبریزی: بنابر احتیاط، لازم است دوباره ذکر را بعد از آرام گرفتن بدن بگوید و نماز

- را اعاده کند(م) ۱۰۴۱.
- ۱۴- مکارم: باید (ذکر را) بعد از آرام گرفتن اعاده کند، حتی اگر عمداً این کار را کند احتیاط این است که نماز را نیز بعداً اعاده نماید (م) ۹۳۴.
- ۱۵- بهجت: این مسأله در رسالهء ایشان دیده نشد.
- ۱۶- زنجانی: با علم و عمد... (م) ۱۰۴۲.
- ۱۷- تبریزی: که از حد رکوع خارج شود نمازش باطل است (م) ۱۰۴۲.
- ۱۸- زنجانی: یا به جهت ندانستن مسأله سر بر دارد... (م) ۱۰۴۲.
- ۱۹- زنجانی: متوجه شود باید در حال آرامی بدن ذکر را بگوید... (م) ۱۰۴۲.
- ۲۰- زنجانی: متوجه شود... (م) ۱۰۴۲.
- ۲۱- بهجت: این مسأله در رسالهء ایشان دیده ن.
- ۲۲- تبریزی: باید دوباره ذکر را بعد از گذاشتن پیشانی و آرام شدن تکرار کند، و بنابر احتیاط نماز را نیز اعاده نماید (م) ۱۰۶۰.
- ۲۳- مکارم: هرگاه پیش از آنکه بدن آرام گیرد، ذکر سجده را شروع کند باطل است. همچنین اگر قسمتی از آن را هنگام بلند شدن از سجده بگوید (م) ۹۴۸ زنجانی: اگر پیش از آنکه پیشانی به زمین برسد و بدن آرام گیرد عمداً ذکر سجده را بگوید، یا بدون ذکر یا قبل از تمام شدن آن، سر از سجده بردارد یا در حالت ذکر واجب یا ذکر مستحبی که به قصد ورود می گوید بدن را حرکت دهد، نمازش باطل است (م) ۱۰۶۰.
- ۲۴- تبریزی: عبارت (و بدن آرام گیرد) در رسالهء ایشان دیده نشد (م) ۱۰۶۱.
- ۲۵- مکارم: هنگامی که مشغول ذکر نیست می تواند بعضی از اعضای هفتگانه را جز پیشانی از زمین بردارد یا جابه جا کند، ولی در موقع ذکر جایز نیست (م) ۹۴۹.
- ۲۶- تبریزی: باید ذکر را دوباره بعد از گذاشتن تمام اعضا تکرار (کند) و بعد نماز را اعاده کند (م) ۱۰۶۳.
- ۲۷- بهجت: موقعی که ذکر سجده را می گوید باید تمام هفت عضو روی زمین باشد و

از زمین برداشته نشوند، ولی موقعی که ... (م ۸۶۴
 ۲۸- مکارم: اشکال دارد (م ۹۵۵ تبریزی: و کسی که از روی تفصیر به واسطه ندانستن
 مسأله نمازهای خود را همین طور خوانده، باید دوباره بخواند. و اگر روی شست یا باطن
 آن را به زمین بگذارد کافی است (م ۱۰۷۱ زنجانی: ... و کسی که به واسطه ندانستن
 مسأله نمازهای خود را این طور خوانده، بنابر احتیاط واجب باید دوباره بخواند (م ۱۰۷۱).

پوشاندن بدن و شرایط لباس نمازگزار

۱- مرد (و پسر) باید در حال نماز اگرچه کسی او را نمی بیند، عَوْرَتین (۱) خود را بپوشاند
 و بهتر است از ناف تا زانوها را هم بپوشاند (م ۲۰۷۹۳-۲- موقعی که (۲) انسان قضای سجده
 فراموش شده یا تشهد فراموش شده را به جا می آورد، بلکه بنا بر احتیاط واجب (۳) در
 موقع سجده سَهْو (۴) هم باید خود را مثل موقع نماز بپوشاند (۵) (م ۷۹۵-۳- لباس
 نمازگزار ۱- لباس نمازگزار شش شرط دارد: اول: آنکه پاک باشد. دوم: آنکه بنابر
 احتیاط واجب (۶) مُباح (۷) باشد. سوم: آنکه از اجزای مُردار نباشد. چهارم: آنکه از
 حیوان حرام گوشت نباشد. پنجم و ششم: آنکه اگر نمازگزار مرد (و پسر) است، لباس
 او ابریشم خالص و طلا باف نباشد (م ۸۰۴). برای آشنایی بیشتر با احکام و جزئیات آن به
 رساله توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید. ۲- لباس نمازگزار باید پاک باشد
 و اگر کسی عمداً (۸) با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است (۹) (م ۸۰۵.
 ۳- اگر (نمازگزار) نداند (۱۰) که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس
 بوده، نماز او صحیح است ... (م ۸۰۸-۴- اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است
 و در بین نماز یا بعد از آن (۱۱) یادش بیاید، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته
 (۱۲) قضا نماید (م ۸۰۹). توجه زینت کردن به طلا (۱۳) مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و
 انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی رطلا به دست برای مرد (و پسر) حرام و
 نماز خواندن با آنها باطل است. (۱۴) و احتیاط واجب آن است (۱۵) که از استعمال عینک

- طلا هم خودداری کند (۱۶)، ولی زینت کردن به طلا برای زن (و دختر) در نماز و غیر نماز اشکال ندارد (م ۸۴۰، ۱- عورتین = دو عورت جلو و پشت؛ شرمگاه .
- ۲- بهجت: موقعی که انسان نماز احتیاط می خواند و یا قضای ... (م ۶۶۳ مکارم: در نماز احتیاط (و)؛ لاقضای ... (م) ۷۲۸.
- ۳- تبریزی: و احتیاط مستحب آن است که ... (م ۷۹۸ زنجانی: و احتیاط آن است که ... (م) ۷۹۸.
- ۴- مکارم: و سجده های واجب قرآن ... (م) ۷۲۸.
- ۵- بهجت: در مورد سجده سهو چیزی فرموده اند (م ۶۶۳.
- ۶- بهجت: (پس از: م ۶۶۹ و تبریزی (م ۸۰۶: قید (احتیاط واجب) را ندارند.
- ۷- مباح = غصبی نباشد و اجازه استفاده از آن و تصرف در آن از طرف صاحبش داده شده باشد.
- ۸- بهجت (م ۶۷۰ و تبریزی (م ۸۰۷: در حال اختیار زنجانی: با علم و عمد و اختیار... (م) ۸۰۷.
- ۹- مکارم: حتی اگر به خاطر یاد نگرفتن مسأله باشد (م ۷۳۶.
- ۱۰- زنجانی: اگر با آگاهی از مسأله شرعی نداند... (م ۸۱۰.
- ۱۱- زنجانی: در بین نماز یا بعد از آن، قبل از گذشتن وقت یادش بیاید، نماز را دوباره بخواند... (م) ۸۱۱.
- ۱۲- زنجانی: بنابر احتیاط نماز را قضا کند (م) ۸۱۱.
- ۱۳- تبریزی: (م ۸۴۰ و زنجانی (م ۸۴۰: پوشانیدن طلا مثل ... ۱۴- بهجت: در باطل بودن نماز با آنها تأمل است، اگرچه مطابق احتیاط بلکه خالی از وجه نیست (م ۷۰۲.
- ۱۵- تبریزی (م ۸۴۰ و زنجانی (م ۸۴۰: ... و عینک طلا گذاشتن برای مرد حرام و نماز خواندن با آن باطل است ...

۱۶- بهجت : همراه داشتن طلا و حمل آن بدون اینکه صدق پوشش بکند و همچنین دندان‌ی که پوشش طلا دارد در نماز مانعی ندارد (م ۷۰۲).

برنامه نماز

پسران و دختران هنگامی که به حد بلوغ و تکلیف رسیدند، حتماً باید >نمازهای واجب < را بخوانند. یکی از نمازهای واجب، نمازهای پنجگانه صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا است که در هر شبانه روز باید خوانده شوند و به آنها >نمازهای یومیه < می‌گویند. در نماز یازده چیز واجب است که به آنها >واجبات نماز < می‌گویند. و آنها عبارتند از: اول: نیت. دوم: قیام، یعنی ایستادن. سوم: تکبیرة الاحرام، یعنی گفتن (الله اکبر) در اول نماز. چهارم: رکوع. پنجم: سجود. ششم: قرائت. هفتم: ذکر. هشتم: تشهد. نهم: سلام. دهم: ترتیب. یازدهم: موالات، یعنی پی در پی بودن اجزای نماز (بدون فاصله انجام دادن کارهای نماز). برای خواندن نمازهای واجب یومیه، پس از پاک بودن بدن و لباس و مراعات مقدمات و شرایط دیگر نماز و پس از گرفتن وضو و طهارت، واجبات نماز یا همان دستور نماز را بدون فاصله و به این ترتیب انجام می‌دهیم: ۱- رو به قبله می‌ایستیم و به قصد قربت >نیت < می‌کنیم، یعنی تصمیم می‌گیریم که تنها برای خشنودی خدا و انجام فرمان او نماز می‌خوانیم. البته لازم نیست نیت را از قلب خود بگذرانیم، یا مثلاً به زبان بگوییم که چهار رکعت نماز ظهر می‌خوانم قربةً الی الله. ۲- پس از نیت و در حالی که ایستاده ایم و >قیام < کرده ایم، باید >تکبیرة الاحرام < یعنی >الله اکبر < را بگوییم. موقع گفتن تکبیرة الاحرام باید بدنمان آرام باشد و حرکت نکند، و مستحب است دستها را تا مقابل گوشها بالا ببریم. ۳- پس از گفتن تکبیرة الاحرام، در حالی که ایستاده ایم و بدنمان آرام است، باید >سوره حمد < را به این ترتیب بخوانیم:

بِسْمِ	اللَّهِ	الرَّحْمَنِ	الرَّحِيمِ (۱)
الْحَمْدُ لِلَّهِ	رَبِّ	الْعَالَمِينَ (۲)	

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳)

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴)

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵)

أَهْدِنَا صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ. (۷)

۴- پس از خواندن سوره حمد، یک <سوره ء> تمام و کامل از قرآن را می خوانیم و

مثلاً می توانیم <سوره توحید> یا همان <سوره اخلاص> را به این ترتیب بخوانیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۸)

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۹)

اللَّهُ الصَّمَدُ (۱۰)

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۱۱)

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۱۲)

خواندن حمد و سوره را <قِرَاءَت> می گویند. ۵- پس از خواندن حمد و سوره، باید به

<رُكُوع> برویم، یعنی به اندازه ای خَم شویم که بتوانیم دستهایمان را به زانوها بگذاریم

. در حال رکوع و آرام بودن بدن، یا یک بار می گوئیم:

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ (۱۳)

و یا سه بار می گوئیم:

سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ (۱۴)

این جملات را <ذکر رکوع> می نامند. آن گاه پس از تمام شدن کامل ذکر رکوع،

باید سر از رکوع برداریم و راست بایستیم. ۶- پس از ایستادن و پس از آنکه بدن آرام

گرفت باید <سُجُود> کنیم و به سجده برویم، یعنی پیشانی را بر چیزهایی مانند مهر نماز

قرار می دهیم و کف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاهای خود را بر

زمین می گذاریم. در حال سجده و آرام بودن بدن یا یک بار می گوئیم:

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ (۱۵)

و یا سه بار می گوئیم :

سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ

این جملات را <ذکر سجود> می نامند. ۷- آن گاه پس از تمام شدن کامل ذکر سجده

اول، باید سرمان را از روی مهر نماز برداریم و بنشینیم تا بدن آرام گیرد. پس از آن باید

دوباره به سجده رویم و در حال آرام بودن بدن، همان جملات (ذکر سجود) را در

سجده دوم بخوانیم. آن گاه پس از تمام شدن کامل ذکر سجده دوم، دوباره سر از

مهر نماز بر می داریم و می نشینیم تا بدن آرام گیرد. تمام این کارها یک <رکعت>

حساب می شود، و در اینجا رکعت اول نماز به پایان می رسد. ۸- پس از دو سجده، برای

خواندن رکعت دوم نماز از جایمان بلند می شویم و می ایستیم. در حال بلند شدن

مستحب است

بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ (۱۶)

۹- آن گاه مانند رکعت اول، دوباره حمد و سوره را می خوانیم و پیش از رکوع رکعت

دوم، مستحب است <قنوت> را انجام دهیم، یعنی دستهای خود را تا مقابل صورت بالا

می آوریم و دعا می کنیم. مثلاً در قنوت می گوئیم :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ (۱۷)

و یا در قنوت دعا می کنیم :

رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱۸)

۱۰- سپس مانند رکعت اول، به رکوع و سجود می رویم. پس از دو سجده می نشینیم.

۱۱- در حال نشستن و آرام بودن بدن <تشهد> را به این ترتیب می خوانیم :

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ (۱۹)

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ (۲۰)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ (۲۱)

۱۲- اگر نمازمان مانند نماز صبح دو رکعتی باشد، پس از تشهد و در حال نشستن و آرام

بودن بدن و به این صورت <سلام > نماز را می خوانیم :

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ (۲۲)

اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِیْنَ (۲۳)

اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ (۲۴)

در اینجا <نماز دو رکعتی > تمام می شود. ۱۳- اگر نمازمان مانند نماز مغرب سه رکعتی

باشد، پس از خواندن تشهد رکعت دوم بر می خیزیم و می ایستیم . در حال ایستادن و

آرام بودن بدن و در رکعت سوم نماز، سه بار <تَسْبِیْحَاتِ اَرْبَعَه > (۲۵) را با صدای آهسته

و به این صورت می خوانیم (۲۶):

سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ (۲۷)

۱۴- سپس به رکوع و سجود می رویم . پس از برخاستن از دو سجده رکعت سوم می

نشینیم . در حال نشستن، تشهد و سلام نماز را می خوانیم . در اینجا نماز <سه رکعتی >

تمام می شود. ۱۵- اگر نمازمان مانند نماز ظهر و عصر و عشا چهار رکعتی باشد، بعد از

دو سجده رکعت سوم نماز می نشینیم و سپس بر می خیزیم و می ایستیم . در حالی که

ایستاده ایم ، مانند رکعت سوم نماز، سه بار با صدای آهسته تسبیحات اربعه را می گوئیم

و به رکوع و سجود می رویم . پس از دو سجده رکعت چهارم نماز می نشینیم و تشهد

و سلام نماز را می خوانیم . در اینجا نماز <چهار رکعتی > تمام می شود.

تعداد	رکعت‌های	نماز
-------	----------	------

با توجه به آنچه گفته شد، دانستیم : ۱- نماز صبح دو رکعت است ، در رکعت دوم پس

از تشهد، سلام نماز را می گوئیم . ۲- نماز مغرب سه رکعت است ، در رکعت سوم پس

از تشهد، سلام نماز را می گوئیم . ۳- نماز ظهر و عصر و عشا چهار رکعت است ، در

رکعت چهارم پس از تشهد، سلام نماز را می گوئیم . ۱- ترجمه و معنا: به نام خداوند

بخشنامه

مهربان

- ۲- ترجمه و معنا: ستایش مخصوص خداست که پروردگار جهانیان است .
- ۳- ترجمه و معنا: خدایی که بخشنده و مهربان است .
- ۴- ترجمه و معنا: خدایی که فرمانروای روز قیامت است .
- ۵- ترجمه و معنا: خدایا! تنها تو را می پرستیم و تنها از تو کمک می خواهیم .
- ۶- ترجمه و معنا: ما را به راه راست راهنمایی فرما.
- ۷- ترجمه و معنا: راه کسانی که به آنان نعمت داده ای ، نه راه خشم گرفتگان بر آنها و نه گمراهان
- ۸- ترجمه و معنا: به نام خداوند بخشنده مهربان .
- ۹- ترجمه و معنا: بگو: خدا یکتاست .
- ۱۰- ترجمه و معنا: او خدایی است که همه به او نیازمندند.
- ۱۱- ترجمه و معنا: نه کسی را زاده است و نه از کسی زاده شده است .
- ۱۲- ترجمه و معنا: و هیچ کس همتای او نیست .
- ۱۳- ترجمه و معنا: پروردگار بزرگ من از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است ، و من مشغول ستایش او هستم
- ۱۴- ترجمه و معنا: خدا از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است .
- ۱۵- ترجمه و معنا: پروردگار برتر من از هر عیب و نقصی پاک است ، و من مشغول ستایش او هستم
- ۱۶- ترجمه و معنا: با نیرو و قدرت خدا بر می خیزم و می نشینم .
- ۱۷- ترجمه و معنا: خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست .
- ۱۸- ترجمه و معنا: پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی ده و ما را از عذاب آتش دور نگه دار.
- ۱۹- ترجمه و معنا: گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست . او یگانه است و شریکی ندارد.

- ۲۰- ترجمه و معنا: و گواهی می دهم که محمد بنده و پیامبر خداست .
- ۲۱- ترجمه و معنا: خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست .
- ۲۲- ترجمه و معنا: سلام بر تو ای پیامبر و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد!
- ۲۳- ترجمه و معنا: سلام بر ما و بندگان شایسته خدا!
- ۲۴- ترجمه و معنا: سلام بر شما و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد!
- ۲۵- تسبیحات اربعه = تسبیحات چهارگانه .
- ۲۶- می توانیم به جای تسبیحات اربعه ، فقط یک سوره حمد را با صدای آهسته بخوانیم .
- ۲۷- ترجمه و معنا: خدا از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است ، و ستایش برای اوست ، و معبودی جز خدانیست ، و خدا از (همه چیز) بزرگتر است .

چیزهایی که نماز را باطل می کند

به چیزهایی که نماز را باطل می کنند و از بین می برند <مبطلات نماز> می گویند. اگر یکی از این کارها را در نمازمان انجام دهیم ، باید نماز را دوباره بخوانیم . برخی از مبطلات نماز عبارتند از: اول : آنکه در بین نماز یکی از شرطهای آن از بین برود؛ مثلاً (۱) (نماز گزار) در بین نماز بفهمد مکانش غصبی است (پس از: م ۱۱۴۸. دوم : آنکه در بین نماز، عمدأ یا سهواً یا از روی ناچاری ، چیزی که وضو یا غسل را باطل می کند پیش آید؛ مثلاً بول (= ادرار) از او بیرون آید... (پیش از: م ۱۱۴۹. سوم : از مبطلات نماز آن است (۲) که عمدأ یا از روی فراموشی پشت به قبله کند، یا به طرف راست یا چپ قبله برگردد، بلکه اگر عمدأ به قدری برگردد که نگویند رو به قبله است ، اگرچه به طرف راست یا چپ نرسد (۳) نمازش باطل است (پیش از: م ۱۱۵۳ چهارم : از مبطلات نماز آن است (۴) که عمدأ کلمه ای را بگوید که دارای معنا باشد، خواه یک حرف باشد یا بیشتر و قصد معنا نکند نمازش باطل است ، و اگر سهواً بگوید نماز باطل نمی شود (۵) (پس از:

م ۱۱۵۳. پنجم: از مبطلات نماز (۶) خنده با صدا و ترجیع (۷) است، و بنابر احتیاط واجب خنده با صدا اگرچه ترجیع نداشته باشد و عمدی باشد، و چنانچه سهواً هم با صدا بخندد به طوری که صورت نماز از بین برود نماز باطل است، ولی لبخند، نماز را باطل نمی کند (پیش از: م ۱۱۷۳. ششم: از مبطلات نماز شک در رکعتهای نماز دو رکعتی یا سه رکعتی یا شک در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی است (۸) (پس از: م ۱۱۷۷. هفتم: از مبطلات نماز آن است که رکن نماز (۹) را عمداً یا سهواً کم یا زیاد کند، یا چیزی را که رکن نیست عمداً کم یا زیاد نماید (۱۰) (پیش از: م ۱۱۷۸. پنج چیز دیگر نیز از مبطلات نماز هستند. برای دانستن آنها به رساله توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید. یادآوری شکستن نماز واجب از روی اختیار (۱۱) حرام است (۱۲)، ولی برای حفظ جان (۱۳) و مال و جلوگیری از ۳ر (۱۴) مالی یا بدنی مانعی ندارد (م ۱۱۸۱).

۱- تبریزی: مثلاً در بین نماز بفهمد لباسش که ساتر (پوشاننده) است غصبی است (م ۱۱۳۵ زنجانی: مثلاً در بین نماز مالک لباس از رضایت خود برگردد، و در نتیجه لباسش غصبی گردیده، و بنابراین به احتیاط واجب نمازش باطل می شود (م ۱۱۳۵).

۲- بهجت: آنکه عمداً با تمام بدن به پشت سر، یعنی بیش از سمت راست و چپ توجه کند، و اگر فقط با صورت به طرف راست یا چپ توجه کند نمازش باطل نمی شود. و همچنین اگر صورتش رو به قبله بوده و با بقیه (ء) بلبابدن به راست یا چپ توجه نماید نمازش صحیح است، و اگر عمداً با تمام بدن به راست یا چپ و یا فقط با صورت به پشت سر توجه نماید، بنابر اظهر و احوط نمازش باطل است. و اگر سهواً و یا از روی فراموشی باشد مانعی ندارد در اولی و محل احتیاط است در دومی. (پس از: م ۹۲۸).

۳- مکارم: عبارت (اگر چه به طرف راست یا چپ نرسد) در رساله ایشان دیده نشد (م ۱۰۱۰).

۴- بهجت: آنکه عمداً کلمه ای بگوید که دو حرف یا بیشتر داشته، حتی اگر بی معنا باشد، و یا اینکه یک حرف یا بیشتر بوده، ولی معنا داشته باشد (پیش از: م ۹۲۹ تبریزی

: از مبطلات نماز آن است که عمداً کلمه ای بگوید که یک حرف یا بیشتر باشد، اگرچه معنا هم نداشته باشد (پیش از: م ۱۱۴۱ مکارم: از مبطلات نماز آن است که عمداً حرف بزند، حتی یک جمله یا یک کلمه، حتی کلمه دو حرفی مانند <من> و <ما>، بلکه بنابر احتیاط اگر دو حرف معنادار هم نباشد نماز باطل است (و) منظور از احتیاط در مبطلات نماز آن است که نماز را تمام کرده، بعد اعاده کند (و دوباره بخواند) (م ۱۰۱۲ زنجانی: از مبطلات نماز آن است که عمداً لفظی بگوید که دو حرف یا بیشتر باشد، اگرچه معنا هم نداشته باشد، ولی اگر سهواً بگوید نماز باطل نمی شود (پس از: م ۱۱۴۰).

۵- تبریزی: ولی لازم است بعد از نماز، سجده سهو به جا آورد (م ۱۱۴۱).

۶- بهجت: از مبطلات نماز، عمداً قهقهه کردن، یعنی خندیدن شدید، ولی اگر سهواً یا از روی فراموشی قهقهه کرد نمازش صحیح است، و اگر کسی با صدا بخندد ولی به حد قهقهه نرسد، در صورتی که مقدمه خندیدن به اختیار و توجه او بوده است بنابر اظهر نمازش باطل است، و گرنه باطل بودن نماز مطابق احتیاط است که نماز را تمام کرده و بعد، از روی احتیاط دو مرتبه اعاده نماید (پیش از: م ۹۴۶ تبریزی: از مبطلات نماز خنده باصدا و عمدی است، و چنانچه عمداً بی صدا و یا سهواً با صدا بخندد، ظاهر این است که نمازش اشکال ندارد (پیش از: م ۱۱۶۰ مکارم: از مبطلات نماز خنده عمدی و با صداست و همچنین خنده ای که در آن بی اختیار باشد، اما تبسّم و لبخند نماز را باطل نمی کند هر چند عمدی باشد. و نیز خنده سهوی به گمان اینکه در حال نماز نیست موجب باطل شدن نماز نمی شود (م ۱۰۳۱ زنجانی: از مبطلات نماز خنده باصدا و عمدی است، و چنانچه عمداً بی صدا یا سهواً - باصدا یا بی صدا) بخندد، ظاهر این است که نمازش اشکال ندارد... (پس از: م ۱۱۵۹).

۷- ترجیح = گردانیدن صدا در گلو.

۸- تبریزی: در صورتی که نماز گزار در حال شک باقی باشد، یا مقداری از نماز را در حال شک به جا آورد (پس از: م ۱۱۶۴ زنجانی: در صورتی که نماز گزار در حال شک

- باقی باشد (پس) از: م ۱۱۶۴.
- ۹- پنج چیز از واجبات نماز، یعنی نیت و تکبیرة الاحرام و قیام متصل به رکوع و یعنی ایستادن پیش از رکوع و رکوع و دو سجده را <رکن نماز> می نامند، و به این پنج چیز <واجبات رکنی> می گویند. و بقیه واجبات نماز را که رکن نیستند <واجبات غیررکنی> می نامند.
- ۱۰- تبریزی: و زیادی تکبیرة الاحرام سهواً مبطل نماز نیست (پیش از: ۱۱۶۵ زنجانی: از مبطلات نماز آن است که رکن نماز را عمداً یا سهواً کم کند، یا چیزی را که رکن نیست عمد کم نماید، یا چیزی را عمداً در نماز زیاد کند یا رکوع را سهواً زیاد کند و حکم زیاد کردن دو سجده از یک رکعت در مسأله ۱۱۱۸ گذشت (پیش از: م، ۱۱۶۵)
- ۱۱- تبریزی: بنابر احتیاط واجب حرام است (م، ۱۱۶۸)
- ۱۲- مکارم: شکستن نماز واجب عمداً بنابر احتیاط جایز نیست. (م، ۱۰۴۱)
- ۱۳- قید (حفظ جان) در رساله های مراجع دیگر دیده نشد.
- ۱۴- مکارم: و جلوگیری از ضرر قابل توجه مالی یا بدنی مانعی ندارد (م، ۱۰۴۱).

احکام طهارت

چیزهای نجس از دیدگاه اسلام

اسلام دین پاکیزگی است و به پاکیزگی و طهارت سفارش بسیار کرده است، به طوری که پیامبر عزیز خدا پاکیزگی را جزء ایمان دانسته است. به همین جهت از مسلمانان خواسته شده است که همیشه پاک و پاکیزه باشند، و از چیزهای نجس و ناپاک به ویژه در خوردن و آشامیدن و نماز دوری کنند. چیزهای نجس و ناپاک که به آنها <نجاسات> می گویند، چند چیز هستند، از جمله: اول و دوم: بول (ادرار) و غائط (مدفوع) انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد، یعنی اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می کند (و با فشار و سرعت بیرون می آید)، نجس است (۱) (م، ۸۷) و فضله

و (مواد زائد بدن) پرندگان حرام گوشت (مانند کلاغ) پاک است. (۲) (م ۸۸ سوم: مُردار (انسان و) حیوانی که خون جهنده دار نجس است (۳), چه خودش مرده باشد یا برخلاف دستوری که در شرع (و دین اسلام) مُعین شده آن را کشته باشند و ماهی چون خون جهنده ندارد, اگرچه در آب بمیرد پاک است (م ۸۹. چهارم: خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد, یعنی حیوانی که اگر رگ آن را بپرند خون از آن جستن می کند نجس است. پس خون حیوانی که مانند ماهی و پشه خون جهنده ندارد پاک می باشد (م ۹۷. (و) خونی که (۳۵) از لای دندانها می آید, اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود (۳۶) پاک است, (۳۷) و فرو بردن آب دهان در این صورت اشکال ندارد (۴) (م ۱۰۴. پنجم و ششم: سگ و خوکی که در خشکی زندگی می کنند, حتی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبتهای آنها نجس است, ولی سگ و خوک دریایی پاک است (م ۱۰۸. هفتم: تمام بدن کافر (۵) حتی مو و ناخن و رطوبتهای او نجس است (م ۱۱۰. هشتم: شراب و هر چیزی که انسان را مست می کند (۶) چنانچه به خودی خود روان باشد نجس است (۷). و)؛ اگر مثل بَنگ و حشیش (که نوعی از مواد مخدر است) روان نباشد, اگرچه چیزی در آن بریزند که روان شود پاک است (۸) (م ۱۱۵. نهم: فُقَاع که (۹) از جو گرفته می شود و به آن آبجو می گویند نجس (۱۰) است (۱۱), ولی آبی (۱۲) که به دستور تطیب (و دکتر) از جو می گیرند و به آن ماءُ الشَّعیر می گویند پاک (۱۳) می باشد (م ۱۱۹. چیزهای دیگری نیز از نجاسات هستند. برای دانستن آنها به رساله توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجع کنید. توجه پوستهای (۱۴) (کم و) مختصر لب و جاهای دیگر بدن که موقع افتادنشان رسیده, اگر چه آنها را بکنند پاک است (۱۵) (م ۹۴. دواجات (۱۶) (و داروهای) روان و عطر و روغن و واکس و صابون که (۱۷) از کشورهای غیرمسلمان اُمی آورند, اگر انسان یقین به نجاست آنها نداشته باشد پاک است (م ۹۷. ۱- زنجانی: بنابر احتیاط, باید از بول و غائط حیوان حرام گوشتی که خون آن جستن نمی کند, مثل ماهی حرام گوشت اجتناب (و دوری) کرد, ولی فضله حیوانات

کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارند پاک است (م ۸۵ بهجت: ... و بنابر احتیاط از بول و غائط حیوان حرام گوشتی که خون جهنده ندارد، در صورتی که عُسْر و حَرَج (= مشقت و سختی) لازم نمی آید اجتناب نمایند، ولی فضلهء حیوانات کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارند پاک است (م ۸۸ تبریزی: ... و بول و غائط حیوان حرام گوشتی که خون آن جستن نمی کند، مثل ماهی حرام گوشت پاک است. و همچنین فضلهء حیوانات کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارند پاک است (م ۸۵ مکارم: ... و احتیاط واجب آن است از بول حیوان حرام گوشت که خون جهنده ندارد نیز اجتناب کند، ولی فضلهء حیوانات کوچک مثل پشه و مگس و مانند آنها پاک است؛ بنابراین از فضلهء موش و گربه و حیوانات درنده و مانند آنها باید اجتناب کرد (م ۸۹، ۲- بهجت: فضلهء پرندگان حرام گوشت نجس است و فضلهء خفاش بنابر احتیاط نجس است (م ۸۹ تبریزی: بول و فضلهء پرندگان حرام گوشت پاک و بهتر اجتناب است (م ۸۶ مکارم: فضله و بول پرندگان حلال گوشت و حرام گوشت نجس نیست ... (م ۹۲ زنجانی: بنابر احتیاط، باید از فضلهء پرندگان حرام گوشت اجتناب)؛ ۳۳ کرد (م ۸۶، ۳- مکارم: ... نجس است در صورتی که خودش مرده باشد، اما اگر به غیر دستور شرعی آن را ذبح کرده (و کشته) باشند پاک است ... بنابراین گوشت و پوست حیواناتی که از ممالک غیراسلامی می آورند پاک است، ولی خوردن این گوشتها حرام است، مگر اینکه یقین به ذبح (و کشته شدن) شرعی آنها پیدا شود؛ یا آورنده آن خبر دهد که ذبح شرعی شده است (م) ۹۴.

۴- مکارم: خونی که از لثه یا جای دیگر دهان بیرون می آید، هرگاه در آب دهان حل شود و از بین برود پاک است و فرو بردن آب دهان نیز در این صورت جایز است، ولی عمداً این کار را نکند (م) ۱۰۶.

۵- تبریزی: ... اجتناب از آب دهان لازم نیست (م) ۱۰۱.

۶- بهجت: ادامهء مسأله یعنی عبارت (و فرو بردن آب دهان در این صورت اشکال ندارد)

- در رسالهء ایشان دیده نشد (م) ۱۰۴.
- ۷- زنجانی : ولی احتیاط آن است که آن را فرو نبرند (م) ۱۰۱.
- ۸- کافر مانند کسی که خدا را قبول ندارد؛ و یا برای او شریک قرار می دهد. برای دانستن معنای بیشتر کافر به رسالهء توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید.
- ۹- بهجت : شراب و هر چیزی که زیاد آن، انسان را مست می کند، چنانچه به خودی خود روان باشد، نجس و خوردن آن حرام است، اگرچه کم باشد یا مست کنندگی آن خفیف باشد (و زیاد نباشد)، ولی اگر مثل بنگ و حشیش ... (م) ۱۱۵ تبریزی : شراب نجس است و بنابر احتیاط واجب هر چیزی که انسان را مست می کند... (م) ۱۱۲.
- ۱۰- مکارم : شراب و هر مایعی که انسان را مست می کند نجس است بنابر احتیاط واجب ... (م) ۱۲۳.
- ۱۱- مکارم :... اما استعمال آن (و استفاده از آن) به هر حال حرام است (م) ۱۲۳.
- ۱۲- بهجت :... که غالباً از جو گرفته می شود... (م) ۱۱۹.
- ۱۳- مکارم : حرام و از جهت نجاست مانند شراب است، ولی آبی ... (م) ۱۲۸.
- ۱۴- بهجت :... نجس و خوردن آن حرام است، ولی آبی که ... (م) ۱۱۹.
- ۴۶؛ ۴۴- تبریزی :... نجس است و غیر فقاع مانند آبی که به دستور طیب ... (م) ۱۱۶.
- ۱۵- مکارم :... پاک و حلال است (م) ۱۲۸.
- ۱۶- تبریزی : اگر پوستهای مختصر لب و جاهای دیگر بدن را بکنند پاک است (م) ۹۲ مکارم : پوستهایی که از لب و سر و جاهای دیگر بدن انسان جدا می شود پاک است، اما اگر آن را با فشار جدا کنند، احتیاط واجب اجتناب است (م) ۹۷.
- ۱۷- بهجت :... پاک است، ولی بنابر احتیاط واجب باید از پوستی که موقع افتادنش نرسیده و آن را کنده اند، اجتناب نمایند (م) ۹۵ زنجانی : ولی بنابر احتیاط باید از پوستی که موقع افتادنش نرسیده و آن را کنده اند، اجتناب نمایند (م) ۹۱.
- ۱۸- مکارم : تمام مواد غذایی و غیر غذایی که از کشورهای غیر اسلامی می آورند، مانند

کروه و روغن و پنیر و انواع داروها و صابون و واکس و پارچه و عطر و امثال اینها، اگر انسان ... (م) ۱۰۱.

۱۹- تبریزی ... که از خارجه می آورند... (م) ۹۵.

آب و شرایط پاک کنندگی آن

چند چیز نجاست و ناپاکی را پاک می کنند که به آنها <مُطَهَّرَات> یا پاک کننده ها می گویند. یکی از مطهّرات آب است. آب یا <مُطَلَق> (۱) است یا <مُضَاف>. آب مضاف (۲) آبی است که آن را از چیزی بگیرند، مثل آب هندوانه و گلاب؛ یا با چیزی مخلوط باشد، مثل آبی که به قدری با گل و مانند آن مخلوط شود که دیگر به آن، آب نگویند (م) ۱۸. غیر اینها آب مطلق است و آن بر پنج قسم است: اول: آب کُر: (۳) مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک سه وجب و نیم (۴) است بریزند آن ظرف را پُر کند... (م) ۱۹. دوم: آب قلیل: (۵) آبی است که از زمین نجوشد و از کُر کمتر باشد (۶) (م) ۲۸. سوم: آب جاری: آبی (۷) است که از منبعی جریان پیدا کند و جریان داشته باشد، مانند آب چشمه و قنات (۸) (م) ۳۱. چهارم: آب باران. پنجم: آب چاه. شریط پاک کنندگی آب با چهار شرط چیز نجس را پاک می کند: اول: آنکه مطلق باشد. پس آب مضاف مانند (۹) گلاب و عرق بید چیز نجس را پاک نمی کند. دوم: آنکه پاک باشد. سوم: آنکه وقتی چیز نجسی را می شویند، آب، مضاف نشود (۱۰) و بو یا رنگ یا مزهء نجاست هم نگیرد. (۱۱) چهارم: آنکه بعد از آب کشیدن چیز نجس، عین (و ذات و خود) نجاست (۱۲) (مانند خون) در آن نباشد. و (۱۳)؛ پاک شدن چیز نجس با آب قلیل، یعنی آب کمتر از کر شرطهای دیگری هم دارد که بعداً گفته می شود (م) ۱۵۳. توجه از (۱۴) هر چیز نجس تا عین نجاست را از آن برطرف نکنند پاک نمی شود، ولی اگر بو

- یا رنگ نجاست در آن خمانده باشد اشکال ندارد. پس اگر خون را از لباس برطرف کنند و لباس را آب بکشند و رنگ خون در آن بماند پاک حمی باشد، اما چنانچه به واسطه بوی یا رنگ یقین کنند یا احتمال دهند که ذره های نجاست در آن چیز مانده نجس است (م ۱۷۲). آبی (۱۵) که عین نجاست مثل خون و بول به آن برسد و بوی یا رنگ یا مزه آن را تغییر دهد، اگرچه کر یا جاری باشد نجس می شود... (م ۵۵).
- ۱- زنجانی: آب مطلق مایعی است که بدون قید و اضافه به آن، آب گفته می شود، هر چند به آن، آب با اضافه هم گفته شود، مثلاً آب رودخانه که به گل مخلوط شده باشد، اگرچه به آن، آب گل نیز بگویند، چنانچه بتوان کلمه آب را بدون قید و اضافه در باره آن به کار برد، آب مطلق می باشد، ولی اگر تنها آب گل به آن گفته شود، دیگر آب مطلق نمی باشد (م ۱۵).
- ۲- مکارم: ... آب مضاف آبی است که آب به تنهایی به آن گفته نمی شود، مثلاً می گویند آب میوه، آب نمک و آب گل. اما آب مطلق آن است که می توان بدون هیچ قید و شرطی به آن، آب گفت، مثل آبهای معمولی (م ۲۱ زنجانی): آب مضاف مایعی است که تنها با قید و اضافه به آن، آب گفته شود، مانند آب هنداونه، گلاب (م ۱۵).
- ۳- بهجت: آب کر بنابر اقوا مقدار آبی است... (م ۲۱ مکارم): آب کر بنابر احتیاط واجب مقدار آبی است... (م ۲۳).
- ۴- بهجت (م ۲۱) و تبریزی (م ۱۶): سه وجب است ...
- ۵- قلیل = کم ; اندک .
- ۶- بهجت: ... و آب باران در حال باریدن هم نباشد (م ۳۰ زنجانی): آب قلیل آبی است که کر و جاری و ۷۷ باران و آب چاه نباشد (م ۲۵).
- ۷- بهجت: آب جاری آبی است که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد... (م ۳۳ مکارم): آبهای که از زمین می جوشد و جاری می شود مانند آب چشمه و قنات، یا از برفهای تراکم در کوهها سرچشمه می گیرد و ادامه دارد آب جاری است (م ۳۴ زنجانی): آب

- جاری آبی است که جریان داشته و ماده دار باشد، یعنی به منبعی متصل باشد، مانند آب چشمه ، آب رودخانه ، آب قنات و آب لوله کشی شهری (م ۲۸).
- ۸- تبریزی :... و لوله کشیهایی که فعلاً در بلاد (= شهرها) مرسوم است جاری نیست و حکم آب کر را دارد (پیش از: م ۲۹).
- ۹- زنجانی : مانند آب هندوانه و گلاب ... (م ۱۵۰).
- ۱۰- بهجت :... مگر اینکه قبل از مضاف شدن ، چیز نجس پاک شده باشد و آب هم بو یا رنگ یا مزهء نجاست را نگرفته باشد (م ۱۵ تبریزی : و در شستن که بعد از آن ، شستن دیگر لازم نیست بو یا رنگ یا مزهء نجاست هم نگیرد، و در غیر این شستن تغییر ضرر ندارد، مثلاً چیزی را با آب کر یا قلیل بشوید و دو دفعه شستن در او لازم باشد، در دفعهء اول اگرچه تغییر کند در دفعهء دوم با آبی تطهیر (= پاک) کند که تغییر نکند پاک می شود (م ۱۵۰).
- ۱۱- زنجانی : سوم آنکه وقتی چیز نجس را می شویند از مطلق بودن خارج نشود. و بنا بر احوط در شستن که بعد از آن ، شستن دیگر لازم نیست ، باید بو یا رنگ یا مزهء آن به واسطهء نجاست تغییر نکند، و در غیر آن شستن ، تغییر ضرر ندارد مثلاً اگر چیزی را با آب کر یا قلیل بشوید و دو دفعه شستن در او لازم باشد، در دفعهء اول اگرچه تیر کند، چنانچه در دفعهء دوم به آبی تطهیر کند که تغییر نکند پاک می شود (م ۱۵۰).
- ۱۲- بهجت :... عین نجاست یا چیزی که نجس شده و پاک نشده در آن نباشد... (م ۱۵۱).
- ۱۳- زنجانی : و در برخی موارد در تطهیر آب ، شرایط دیگری نیز لازم است که در مسائل بعد گفته می شود (م ۱۵۰).
- ۱۴- مکارم : هرگاه چیز نجسی را بشویند و عین نجس برطرف شود، اما بو یا رنگ آن بماند ضرری ندارد. و اگر شک کند عین نجس مانده یا نه ، باید بیشتر بشوید تا یقین کند از بین رفته است (م ۱۹۰).
- ۱۵- مکارم : هرگاه آبی بر اثر مجاورت و نزدیکی با عین نجس ، بوی نجس بگیرد پاک

است، مگر اینکه عین (۸۸) نجس به آن برسد. در عین حال اجتناب از آن بهتر است (م ۵۸).

احکام آب قلیل

۱- اگر (۱) آب قلیل روی چیز نجس بریزد، یا چیز نجس به آن برسد نجس می شود، ولی (۲) اگر از بالا روی چیز نجس بریزد، مقداری که به آن چیز می رسد نجس، و هر چه بالاتر از آن است پاک می باشد... (م ۲۹. ۲- آب (۳) قلیلی که (۴) روی چیز نجس ریخته شود و از آن جدا گردد نجس است. و همچنین بنا بر اقوا (۵) باید از آب قلیلی هم که بعد از برطرف شدن عین نجاست برای آب کشیدن چیز نجس روی آن می ریزند و از آن جدا می شود (۶)، اجتناب کنند... (م ۳۰. ۳- ظرف نجس (۷) را با آب قلیل باید سه مرتبه شست (۸)، (ولی در کر و جاری یک مرتبه کافی است)... (۹) (م ۱۵۴) (۱۰). ۴- ظرف (۱۱) نجس را با آب قلیل دو جور می شود آب کشید: یکی آنکه سه مرتبه پر کنند و خالی کنند؛ دیگر آنکه سه دفعه قدری آب در آن بریزند و در هر دفعه آب را طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزند. (م ۱۵۹. ۵- اگر بخواهند چیزی را که به بول نجس شده با آب قلیل آب بکشند (۱۲)، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود، در صورتی که بول در آن چیز نمانده باشد، یک مرتبه دیگر که آب روی آن بریزند پاک می شود. ولی در لباس و فرش و مانند اینها (۱۳) باید بعد از هر دفعه فشار دهند تا غساله آن بیرون آید. و غساله آبی است که معمولاً در وقت شستن و بعد از آن از چیزی که شسته می شود خود به خود یا به وسیله فشار می ریزد (م ۱۶۲. ۶- اگر (۱۴) جایی از بدن یا لباس را با آب قلیل آب بکشند، اطراف آنجا که متصل به آن است و معمولاً موقع آب کشیدن (۱۵) آنجا نجس می شود، در صورتی (۱۶) که آبی که برای پاک شدن محل نجس می ریزند به آن اطراف جاری شود، با پاک شدن محل نجاست پاک می شوند (۱۷). و همچنین است اگر چیز پاکی را پهلوی

چیز نجس بگذارند و روی هر دو آب بریزند. پس اگر برای آب کشیدن یک انگشت نجس و روی همه انگشتها آب بریزند و آب نجس به همه آنها برسد، بعد از پاک شدن انگشت نجس و تمام انگشتها پاک می شود (۱۸) (م) ۱۷۶. یادآوری اگر چیزی به غیر بول (مانند خون) نجس شود، چنانچه بعد از (۱۹) برطرف کردن نجاست یک مرتبه آب خروی آن بریزند و از آن جدا شود پاک می گردد. و (۲۰) نیز اگر در دفعه اولی که آب روی آن می ریزند نجاست آن ح برطرف شود (۲۱) پاک می شود. ولی در هر صورت لباس و مانند آن را باید فشار دهند تا غسله آن بیرون آید (۲۲) (م) ۱۶۴. اگر (۲۳) ظاهر برنج و گوشت یا چیزی مانند اینها نجس شده باشد، چنانچه آن را در ظرفی بگذارند و سه مرتبه آب روی آن بریزند و خالی کنند پاک می شود و ظرف آن هم پاک می گردد. ولی اگر بخواهند لباس دیا چیزی را که فشار لازم دارد در ظرفی بگذارند و آب بکشند، باید (۲۵) در هر مرتبه که آب روی آن می ریزند آن را فشار دهند و ظرف را کج کند تا غسله ای که در آن جمع شده بیرون بریزد (۲۶) (م) ۱۶۸. توجه غیر از آب و پاک کننده های دیگری مانند زمین و آفتاب هست که طبق شرایطی چیزهای نجس را پاک جمی کنند. برای آشنایی بیشتر با احکام آن به رساله توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید. ۱- مکارم: هرگاه چیز نجسی به آب قلیل برسد، آن را نجس می کند بنابر احتیاط واجب، اما اگر از بالا بریزند، فقط از آن مقدار که به نجس رسیده نجس می شود... (م) ۳۲.

۲- تبریزی: ... ولی اگر با فشار روی چیز نجس بریزد مقداری که به آن چیز می رسد نجس است و مقداری که به آن چیز نرسیده پاک است (م) ۲۶ بهجت: ... ولی اگر از بالا با فشار بلکه با مطلق حرکت از بالا به پایین روی چیز نجس بریزد مقداری که به آن چیز می رسد نجس و هر چه بالاتر از آن است پاک می باشد... (م) ۳۱.

۳- مکارم: اگر با آب قلیل پاک چیزی را که نجس شده بشویند پاک می شود (با شرایطی که بعداً گفته خواهد شد)، اما آبی که از آن جدا می شود و آن را غسله گویند نجس

- است ... (م) ۳۳.
- ۴- زنجانی (م) ۲۷ و بهجت (م) ۳۲ و تبریزی (م) ۲۷: آب خیلی که برای برطرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته شود...
- ۵- بهجت : بنابر احتیاط واجب (م) ۳۲ زنجانی : بنابر احتیاط (م) ۲۷.
- ۶- تبریزی :... از آن جدا می شود در صورتی که محل به مجرد شستن با او پاک می شود آن آب و پاک است، مثلاً اگر محل نجس چیزی باشد که به یک مرتبه شستن پاک شود و عین نجس هم نداشته باشد، غسل آن یعنی آبی که از او در وقت شستن جدا می شود پاک است. و اما چیزی که دو مرتبه شستن آن لازم است، از غسل شستن (تأاول بنابر احتیاط واجب اجتناب لازم است و غسل شستن دوم پاک است (م) ۲۷.
- ۷- زنجانی : کاسه نجس و مانند آن از سایر ظروف شرب را با آب قلیل باید سه مرتبه شست ... (م) ۱۵۱.
- ۸- بهجت : ظرفی که به غیر بول نجس شده، اگر یک مرتبه شسته شود پاک می شود، حتی اگر با آب قلیل باشد بنابر اقوا... (م) ۱۵۲.
- ۹- زنجانی : و بنابر احوط در کر و جاری نیز سه مرتبه معتبر است ... (م) ۱۵۱.
- ۱۰- ظرفی که به وسیله سگ و خوک و شراب نجس شده است، احکام دیگری دارد. برای دانستن آنها به رساله توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید.
- ۱۱- بهجت : ظرفی را که به غیر بول نجس شده، با آب قلیل به دو صورت می توان آب کشید: اول آنکه بنابر اقوا یک مرتبه از آب پر کنند و خالی کنند؛ دوم (آنکه) یک دفعه قدری آب در آن بریزند و آب را طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزند. و اگر به بول نجس شده باشد این کار را دوبار انجام دهند (م) ۱۵۷ زنجانی :
- کاسه نجس ... (م) ۱۵۶.
- ۱۲- مکارم : برای تطهیر (= آب کشیدن و پاک کردن) چیزی که با بول نجس شده با آب قلیل دو مرتبه و در آب کر و جاری و آب لوله کشی یک مرتبه کفایت می کند (و

کافی است)، اما در غیر بول یک مرتبه با آب قلیل یا کر کافی است (م ۱۸۱ (و) برای شستن لباس و فرش و مانند آن با آب قلیل باید آن را مقداری فشار دهند تا آب از آن خارج شود (م) ۱۸۲.

۱۳- زنجانی: بنابر احتیاط باید بعد از هر دفعه فشار دهند تا غساله آن بیرون آید... (م) ۱۶۱.

۱۴- مکارم: این مسأله در رساله ایشان دیده نشد.

۱۵- تبریزی: ... و معمولاً موقع آب کشیدن، آب به آنها سرایت می کند با پاک شدن جای نجس پاک می شود، به این معنا که آب کشیدن اطراف مستقلاً (و جداگانه) لازم نیست. بلکه اطراف و محل نجس به آب کشیدن با هم پاک می شوند. و همچنین است ... (م) ۱۷۵.

۱۶- بهجت (م ۱۷۷ و تبریزی (م ۱۷۵ و زنجانی (م ۱۷۵: عبارت (در صورتی که آبی که برای پاک شدن محل نجس می ریزند به آن اطراف جاری شود) در رساله آنان دیده نشد. (۱۱۶)؛ بهجت: ... با پاک شدن جای نجس پاک می شود. و در صورتی که بیش از یک مرتبه باید شسته شود، آب دوم باید به تمام جاهایی که آب اول رسیده و با آن نجس شده بود برسد. و همچنین است ... (م ۱۷).

۱۸- زنجانی: اگر جایی از بدن یا لباس را با آب قلیل آب بکشند، بنابر احتیاط باید به اطراف آنجا که متصل به آن است و موقع آب کشیدن آنجا نجس می شود، آب پاک برسد. و همچنین اگر چیز پاکی را کنار چیز نجس بگذارند و روی هر دو آب بریزند، بنابر احتیاط به قسمتهایی از چیز پاک که در هنگام آب کشیدن نجس شده آب پاک برسد. پس اگر برای آب کشیدن یک انگشت نجس، روی همه انگشتها آب بریزند و آب نجس به همه آنها برسد، بنابر احتیاط باید آب پاک به تمام انگشتان برسد (م ۱۷۵).

۱۹- تبریزی: ... نجس شود، چنانچه با برطرف کردن نجاست یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود... (م) ۱۶۳.

- ۲۰- تبریزی : از عبارت (و نیز اگر...) تا عبارت (پاک می شود) در رساله ایشان دیده نشد (م) ۱۶۳.
- ۲۱- بهجت :... نجاست آن برطرف شود، و بعد از برطرف شدن نجاست هم آب روی آن بیاید پاک می شود... (م) ۱۶۴.
- ۲۲- مکارم :... برای تطهیر (= آب کشیدن و پاک کردن) چیزی که با غیر بول نجس شده، یک مرتبه (شستن) با آب قلیل یا کر کافی است (با استفاده از: م ۱۸۱ زنجانی : اگر چیزی به غیر بول نجس شود و یک مرتبه آب روی آن بریزند که با آن، نجاست برطرف شود و از آن جدا شود پاک می گردد، ولی در شستن لباس و مانند اینها در آب قلیل بنابر احتیاط باید آنها را فشار دهند تا غسله آن بیرون آید... (م) ۱۶۳.
- ۲۳- مکارم : اگر چیزی نجس شود چنانچه آن را در ظرفی بگذارند... (م) ۱۸۷.
- ۲۴- بهجت :... چنانچه آن را در ظرفی بگذارند و یک مرتبه آب روی آن بریزند و خالی کنند... (م) ۱۶۸.
- ۲۵- بهجت :... باید بعد از آنکه آب روی آن می ریزند آن را فشار دهند و ظرف را کج کنند... (م) ۱۶۸،
- ۲۶- زنجانی : اگر ظاهر برنج و گوشت و مانند اینها نجس شده باشد، در جایی که تعدد لازم نیست، چنانچه آن را در کاسه و مانند آن بگذارند و یک مرتبه آب روی آن بریزند و خالی کنند پاک می شود، و لباس و مانند اینها بنابر احتیاط، در آب قلیل باید فشار داده شود (م) ۱۶۷.

راههای ثابت شدن نجاست

نجاست (و ناپاکی) هر چیز از سه راه ثابت می شود: اول (۱): آنکه خود انسان یقین (۲) کند چیزی نجس است. و (۳) اگر گمان داشته باشد چیزی نجس است، و لازم نیست از آن اجتناب نماید، مگر آنکه (۴) به واسطه گمان، اطمینانی که مردم عادی آن را علم

(و یقین) به حساب می آورند حاصل شود که در این صورت اجتناب لازم است؛ بنابراین غذا خوردن در قهوه خانه ها و مهمانخانه هایی که افراد لائبالی (و بی بند و بار) و کسانی که پاکی و نجسی را مراعات نمی کنند در آنها غذا می خورند، اگر انسان یقین (۵) نداشته باشد غذایی را که برای او آورده اند نجس است اشکال ندارد. دوم: آنکه کسی که چیزی در اختیار اوست بگوید آن چیز نجس است (۶)؛ مثلاً... (پدر یا مادر یا خواهر و یا برادر انسان) بگوید ظرف یا چیز دیگری که در اختیار اوست نجس می باشد. سوم: آنکه (۷) دو مردم عادل بگویند چیزی نجس است، و نیز (۸) اگر یک نفر عادل هم بگوید چیزی نجس است، و بنابر احتیاط واجب باید از آن چیز اجتناب کرد (۹) (م ۱۲۵).

۳- راه نجس شدن چیزهای پاک

۱- اگر چیز پاک به چیز نجس برسد و هر دو یا یکی از آنها به طوری تر باشد که تری یکی به دیگری برسد چیز پاک نجس می شود (۱۰). و اگر تری به قدری کم باشد که به دیگری نرسد، چیزی که پاک بوده نجس نمی شود (۱۱) (م ۱۲۹). ۲- اگر (۱۲) چیز پاکی به چیز نجس برسد و انسان شک کند که هر دو یا یکی از آنها تر بوده یا نه، و آن چیز پاک نجس نمی شود (۱۳) (م ۱۳۰).

یادآوری

(مواد و چیزهای درهم آمیخته یا همان) اخلاطی (۱۴) که از بینی یا گلو می آید، اگر خون داشته باشد، جایی که)؛ خون دارد نجس و بقیه آن پاک است. پس اگر به بیرون دهان یا بینی برسد، مقداری را که انسان یقین دارد جای نجس اخلاط به آن رسیده نجس است، و محلی را که شک دارد جای نجس به آن رسیده یا نه پاک می باشد (م ۱۳۶). احترام گذاشتن به ورق قرآن یا کاغذی که اسم خدا (۱۵) یا پیغمبر یا امام بر آن نوشته شده، لازم است (مثلاً روی آنها پا نگذاریم و روی آنها ننشینیم) (با استفاده از: م ۱۴۴). خوردن (۱۶) و آشامیدن چیز نجس حرام است، و نیز (۱۷) خوردن عین (و ذات و خود) نجس به اطفال (= کودکان) حرام می باشد. ولی اگر خود طفل (= کودک) (

غذای نجس را بخورد، یا با دستِ نجس و غذا را نجس کند و خورد، جلوگیری از او لازم نیست (۱۸) (م) ۱۴۵.

۱- زنجانی: اول آنکه خود انسان یقین یا اطمینان کند و یا نوع مردم یقین یا اطمینان کنند که چیزی نجس است، و چنانچه در جایی که نوع مردم اطمینان به نجاست ندارند، انسان برخلاف متعارف اطمینان به نجاست داشته باشد، حکم به نجاست آن نمی شود، و اگر اطمینان شخصی یا نوعی نباشد، اگرچه گمان داشته باشد چیزی نجس است، لازم نیست از آن اجتناب کند. بنابراین غذا خوردن ... (م) ۱۲۲.

۲- بهجت: ... یا ظن (و گمان) اطمینان آور پیدا کند که چیزی نجس است، و گرنه لازم نیست از آن اجتناب نماید... (م) ۱۲۵ تبریزی: ... یا اطمینان کند چیزی نجس است (م) ۱۲۲.

۳- مکارم: ... ولی گمان حتی گمان قوی (در ثابت شدن نجاست) کافی نیست ... (م) ۱۳۶.

۴- از عبارت (مگر آنکه ...) تا عبارت (... اجتناب لازم است) در رسالهء مراجع دیگر دیده نشد.

۵- تبریزی: ... یا اطمینان نداشته باشد... (م) ۱۲۲ زنجانی: در آنها غذا می خورند تا یقین یا اطمینان شخصی یا نوعی به نجاست غذایی که برای انسان می آورند نباشد اشکال ندارد. (م) ۱۲۲.

۶- بهجت: ... نجس است و از گفتهء او اطمینان حاصل گردد، مثلاً... (م) ۱۲۵ > ۵.

۷- مکارم: ... سوم دو نفر عادل و یا حتی یک نفر گواهی دهد (م) ۱۳۶.

۸- تبریزی: ... و نیز اگر یک فرد عادل بلکه شخص مؤثق (و مورد اطمینان) اگرچه عادل هم نباشد بگوید چیزی نجس است، باید از آن چیز اجتناب (و پرهیز) کرد (م) ۱۲۲.

۹- زنجانی: و با گفتن یک مرد عادل نجاست ثابت نمی شود (م) ۱۲۲.

۱۰- توضیحی در این قسمت در رسالهء آقای تبریزی وجود دارد که مقلدان ایشان به

آنجا مراجعه کنند (م ۱۲۶ مکارم ... اما اگر هر دو خشک باشند، یا رطوبت به قدری کم باشد که سرایت نکند (و به دیگری نرسد) پاک است، مگر در ملاقات چیزی با مردهء انسان بیش از غسل دادن که احتیاط واجب اجتناب است، و هر چند خشک باشد (م ۱۴۳).
 ۱۱- بهجت ... نجس نمی شود ولی اگر دست انسان به بدن میّتی (= مرده ای) که هنوز او را غسل نداده اند برسد، اگرچه بدن میت خشک باشد، احتیاط در این است که دست را بشوید (م ۱۲۷ تبریزی ... نجس نمی شود، اگرچه به عین (و خود) نجس برسد (م ۱۲۶).
 ۱۲- مکارم: اگر در ملاقات یا در رطوبت داشتن شک کند، آن چیز نجس نمی شود (م ۱۴۴).

۱۳- تبریزی: نجس نمی شود مگر حالت سابقه (و گذشته) چیز پاک، رطوبت مسریه (و سرایت کننده) باشد (م ۱۲۷).
 ۱۴- مکارم: اخلاطی که از بینی یا گلو می آید، هرگاه غلیظ باشد و نقطه ای از آن خون داشته باشد همان نقطه نجس است. و اگر روان باشد همه نجس می شود (م ۱۵۰ زنجانی):
 : اخلاط غلیظی که از بینی یا گلو می آید... (م ۱۳۳).
 ۱۵- زنجانی: اسم خدا یا یکی از معصومین ... (م ۱۴۱).
 ۱۶- تبریزی: خوردن و آشامیدن چیز مُتَنَجِّس (= نجس شده توسط چیز نجسی) حرام است. و همچنین است خوراندن آن به دیگری، و در خوراندن آن به طفل و دیوانه اَظْهَر (ظاهرتر و روشنتر) جواز است (و اشکالی ندارد) و اگر خود طفل یا دیوانه غذای نجس را بخورد یا با دست نجس، غذا را نجس کند و بخورد، بی اشکال لازم نیست از او جلوگیری کنند (م ۱۴۲ مکارم): خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است، و خوراندن عین نجس (۶۶؛ مانند مُسْکِرَات (= چیزهای مست کننده) به اطفال نیز حرام می باشد. و بنابر احتیاط واجب باید از خوراندن غذایی که نجس شده به اطفال نیز خودداری کرد، اما آنچه بر اثر نجس بودن دست خود آنها نجس می شود، اشکال ندارد (م ۱۵۴).

۱۷- بهجت ... و نیز خوراندن عین نجس به اطفال در صورتی که ضرر داشته باشد حرام می باشد، بلکه اگر ضرر هم نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید از آن خودداری کنند. و همچنین است چیزهایی که پاک است ولی خوردنش حرام است بنابر احتیاط ولی خوراندن غذاهایی که نجس شده است به طفل حرام نیست ... (م ۱۴۲).

۱۸- زنجانی: خوردن و آشامیدن چیز نجس یا متنجس حرام است. و همچنین خوراندن آن به دیگری در صورتی که ضرر داشته باشد، و نیز خوراندن چیز مست کننده و چیزی که حیوانی مانند موش در آن مرده باشد، هر چند ضرر نداشته باشد، بلکه بنابر احتیاط واجب باید از خوراندن سایر اشیای نجس یا متنجس نیز خودداری کرد (م ۱۴۲).

احکام آب کر و جاری

۱- اگر چیز نجس را زیر شیری که متصل به کر است بشویند، آبی که از آن چیز می ریزد (۱) اگر متصل به کر باشد و بو یا رنگ یا مزهء نجاست نگرفته باشد (۲) پاک است (م ۲۴. ۲- آب (۳) لوله های حمام و عمارات (= ساختمانها) که از شیرها و دوشها می ریزد، اگر متصل به کر باشد مثل آب جاری است (۴) (م ۳۸. ۳- اگر (۵) چیز نجس را در آب کر یا جاری آب بکشند، آبی که بعد از بیرون آوردن، از آن می ریزد پاک (۶) است (۷) (م ۵۷. ۴- اگر (۸) چیز نجس را بعد از برطرف کردن عین نجاست (۹)، یک مرتبه در آب کر یا جاری فرو برند که آب به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می شود (۱۰). و احتیاط واجب آن است که فرش و لباس و مانند اینها (۱۱) را طوری فشار یا حرکت دهند که آب داخل آن خارج شود (۱۲) (م ۱۶۱. ۵- چیز (۱۳) نجسی که عین نجاست (مانند خون) در آن نیست، اگر زیر شیری که متصل به کر است یک دفعه بشویند پاک می شود. و نیز اگر عین نجاست در آن باشد، چنانچه عین نجاست آن زیر شیر و یا به وسیلهء دیگری برطرف شود، و آبی که از آن چیز می ریزد بو یا رنگ یا مزهء نجاست به خود نگرفته باشد، با آب شیر پاک می گردد. اما اگر آبی که از آن می

ریزد (۱۴) بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته باشد، باید به قدری آب شیر روی آن بریزد تا در آبی که از آن جدا می شود بو یا رنگ یا مزه نجاست نباشد (۱۵) (م ۱۷۹. ۱- مکارم ... آبی که از آن می ریزد پاک است، مگر اینکه بو یا رنگ و یا طعم نجاست به خود گیرد (م) ۲۸.

- ۲- بهجت ... و عین نجاست هم در آن نباشد پاک است (م ۲۶ زنجانی: و بو یا رنگ یا مزه آن به سبب ملاقات بانجاست آن چیز تغییر نکرده باشد، پاک است (م ۲۱).
- ۳- مکارم: آبهای لوله کشی شهرها و حمامها و مانند آن، که متصل به منبع است حکم آب جاری را دارد، به شرط اینکه آب منبع به تنهایی یا به اضافه لوله کمتر از کر نباشد (م ۳۹ بهجت: آب لوله های حمام که از شیرها و دوشها می ریزد، و آب لوله های ساختمان اگر متصل به کر باشد، در حکم آب کر است (م ۴۰).
- ۴- تبریزی ... اگر به ضمیمه (و همراه) منبعی که متصل به آن است به قدر کر باشد، حکم کر را دارد (م ۳۵ زنجانی: آب لوله کشی شهر جاری است و فرقی بین آب حمام و غیر حمام نیست (م ۳۵ و) در حمامهایی که به آب لوله کشی متصل نیست، آب لوله های حمام که از شیرها و دوشها می ریزد اگر به ضمیمه حوضی که متصل به آن است به قدر کر باشد، کر محسوب می شود (م ۳۶).
- ۵- زنجانی: اگر چیز نجسی را در غیر آب قلیل آب بکشند، از آبی که بعد از بیرون آوردن، از آن می ریزد، بنا بر احتیاط باید اجتناب کرد (م ۵۴).
- ۶- بهجت ... پاک و پاک کننده است (م ۵۹).
- ۷- مکارم: این مسأله در رساله ایشان دیده نشد.
- ۸- مکارم: اگر چیز نجسی را با آب کر یا جاری یا آب لوله کشی بشویند تا عین نجاست برطرف شود، یا بعد از برطرف کردن عین نجس در آب کر یا جاری فرو برند پاک می شود، ولی فرش و لباس و مانند آن را باید فشار یا حرکت داد تا آب آن خارج شود (م ۱۸۰).

۹- تبریزی : عبارت (بعد از برطرف کردن عین نجاست) در رساله ایشان دیده نشد (م ۱۶۰).

۱۰- زنجانی : اگر چیز نجس و غیر ظرف شُرب (= آشامیدن) را یک مرتبه در غیر آب قلیل مانند کر و جاری بشویند که آب به تمام جاهای آن برسد پاک می شود... (م ۱۶۰).

۱۱- بهجت :... اگر با آب قلیل شسته شود طوری فشار یا حرکت دهند... (م ۱۶۱).

۱۲۶- تبریزی :... و در فرش و لباس و مانند اینها فشار یا مانند آن از مالیدن یا لگد کردن لازم است ، و در صورتی که لباس و مانند آن مُتَنَجِّس (= نجس شده) به بول باشد، در

کر نیز دو مرتبه شستن لازم است (م ۱۶۰ زنجانی : از عبارت (احتیاط واجب آن است که فرش و لباس ...) تا آخر مسأله در رساله ایشان دیده نشد (م ۱۶۰).

۱۳- تبریزی : مسأله به صورت بالا در رساله ایشان نیست . فقط فرموده اند: آب شیری

که متصل به کر است ، حکم کر را دارد، (م ۱۷۸ مکارم : مسأله به صورت بالا در رساله ایشان نیست . فقط فرموده اند: شیری که متصل به کر می باشد، آبی که از آن می ریزد

حکم آب کر و جاری را دارد. بنابراین هر چیز نجسی را با آن بشویند، همین که عین

نجاست برطرف شد پاک می شود (م ۱۹۵).

۱۴- بهجت :... از آن می ریزد در اول زمان اتصال بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته باشد... (م ۱۷۸).

۱۵- زنجانی : این مسأله در رساله ایشان دیده نشد.

احکام تخلی

برخی از احکام تَخْلِي یعنی ادرار و مدفوع کردن عبارتند از: ۱- واجب است انسان وقت

تخلی و مواقع دیگر، عورت خود را از کسانی که مکلفند (۱)، اگرچه مثل خواهر و مادر

و برادر با او مَحْرَم باشند، و همچنین از دیوانهء مُمَيِّز (۲) و بچه های مُمَيِّز که خوب و بد

را می فهمند بیوشانند... (م ۶۰. ۲- موقع تخلی باید طرف جلوی بدن (۳)، مانند شکم و

- سینه رو به قبله و پشت به قبله (۴) نباشد (۵) (م ۶۲ (۶). ۳- احتیاط واجب (۷) آن است که بچه را در وقت تخلی رو به قبله یا پشت به قبله نشانند، ولی اگر خود بچه بنشیند، جلوگیری از آن واجب نیست (م ۶۶).
- تطهیر مخرج ادرار و مدفوع
- ۱- مخرج بول (محل بیرون آمدن ادرار) با غیر آب پاک نمی شود (۸)، و اگر بعد از برطرف شدن بول یک مرتبه بشویند کافی است ... ولی کسانی که بولشان از غیر مجرای طبیعی می آید (۹) باید دو مرتبه بشویند، خصوصاً اگر بیرون آمدن بول از مجرا غیر متعارف (و غیر معمول) باشد (۱۰) (م ۶۹. ۲- (محل بیرون آمدن مدفوع را می توان با آب شست و) اگر (۱۱) مخرج غائط (محل بیرون آمدن مدفوع) را با آب بشویند، باید چیزی از غائط در آن نماند، ولی باقی ماندن رنگ و بوی آن مانعی ندارد. و اگر در دفعه اول طوری شسته شود که ذره ای از غائط در آن نماند، دوباره شستن لازم نیست (م ۷۰).
- ۱- مکارم: خواه بیننده محرم او باشد (مانند خواهر و مادر) یا نامحرم، بالغ باشد یا غیر بالغ ... (م ۶۳ زنجانی: از کسانی که ممیزند... (م ۵۷).
- ۲- بهجت (م ۶۲ و تبریزی (م ۵۷)... و همچنین از دیوانه و بچه های ممیز که خوب و بد را می فهمند بپوشاند... مکارم: عبارت (دیوانه ممیز) در رساله ایشان دیده نشد (م ۶۳).
- ۳- بهجت (م ۶۴ و تبریزی (م ۵۹ و زنجانی (م ۵۹)... طرف جلوی بدن یعنی شکم و سینه ...
- ۴- تبریزی: ... پشت به قبله نباشد، و مراد از قبله جهتی است که در حال علم و اختیار باید نماز به آن طرف خوانده شود (م ۵۹).
- ۵- مکارم: در موقع تخلی باید رو به قبله و پشت به قبله نباشد... (م ۶۵).
- ۶- این حکم به ویژه در حمام، اردو، مسافرت، دشت، بیابان و گردشهای آزاد باید به خاطر سپرده شود.

- ۷- تبریزی : احتیاط مستحب آن است ... (م ۶۳ زنجانی : احتیاط آن است ... (م ۶۳.
- ۸- تبریزی :... با غیر آب پاک نمی شود, و در کر و جاری اگر بعد از برطرف شدن بول یک مرتبه بشوید کافی است , ولی با آب قلیل بنابر احتیاط واجب باید دو مرتبه شست ... (م ۶۶ مکارم :... با غیر آب پاک نمی شود, و اگر با آب قلیل بشویند واجب است دو بار بشویند, اما با شیلنگهای متصل به آب لوله کشی که در حکم جاری است , یک مرتبه کافی است (م) ۷۳.
- ۹- بهجت :... از غیر مجرای طبیعی می آید, و یا اینکه از مخرج طبیعی می آید, ولی از محلی که معمولاً نجس می شود به جاهای دیگر نیز برسد, احتیاط واجب آن است که بعد از برطرف شدن بول دو مرتبه بشویند و زن نیز حکم مرد را دارد (م ۷۱).
- ۱۰- مکارم : در شستن مخرج بول و غائط فرق میان مجرای طبیعی و غیرطبیعی نیست , ولی در مخرج غیرطبیعی غیر آب کفایت نمی کند (و کافی در تطهیر نیست) (م ۷۴ زنجانی : مخرج بول با غیر آب پاک نمی شود, و در غیر آب قلیل اگر بعد از برطرف شدن بول یک مرتبه بشویند کافی است , ولی با آب قلیل بنابر احتیاط باید دو مرتبه شست و بهتر آن است که سه مرتبه شسته شود. و در هر صورت اگر پس از برطرف شدن عین , آب ادامه داشته باشد, یک مرتبه شستن به حساب می آید و لازم نیست برای محاسبه , آب قطع گردد و سپس) بر مخرج بول جریان داشته باشد (م ۶۶).
- ۱۱- مکارم : این مسأله در رساله ایشان دیده نشد.

احکام غسل

غسل و شرایط آن

- ۱- در غسل ترتیبی باید به نیت غسل , اول سر و گردن (۱) بعد طرف راست بعد طرف چپ بدن را (۲) بشوید (۳). و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به واسطه ندانستن مسأله (۴) به این ترتیب عمل نکند (۵), غسل او باطل است (۶) (م ۳۶۲. ۲- نصف ناف و نصف

عورت را باید با طرف راست بدن و نصف دیگر را باید با طرف چپ بشوید... (۷) (م) ۳۶۳.
 ۳- برای آنکه یقین کند هر سه قسمت (۸)، یعنی سر و گردن و طرف راست و طرف چپ را کاملاً غسل داده، باید هر قسمتی را که می‌شوید مقداری از قسمتهای دیگر را هم با آن قسمت بشوید... (۹) (م) ۳۶۴.
 یادآوری

غیر از غسل ترتیبی غسل دیگری وجود دارد که با فرو رفتن کامل انسان در آب انجام می‌شود و به آن <غسل اِرتِماسی> می‌گویند. برای دانستن احکام و جزئیات آن به رساله توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید.
 شرایط غسل

تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد (۱۰)، مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن (۱۱)، در صحیح بودن غسل هم شرط است، ولی در غسل لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید (۱۲). و نیز در غسل ترتیبی، لازم نیست (۱۳) بعد از شستن هر قسمت فوراً قسمت دیگر را بشوید (۱۴)، بلکه اگر بعد از شستن سر و گردن مقداری صبر کند و بعد (۱۵) طرف راست را بشوید و بعد از مدتی طرف چپ را بشوید، اشکال ندارد... (م) ۳۸۱. توجه اگر در غسل به اندازه سر مویی از بدن نشسته بماند، غسل باطل است، ولی (۱۶) شستن جاهایی از بدن که آدیده نمی‌شود، مثل توی گوش و بینی واجب نیست (۱۷) (م) ۳۷۵. (۱۸) در غسل (۱۹) باید موهای کوتاهی را که جزء بدن حساب می‌شود بشوید، و بنابر احتیاط شستن موهای بلند (۲۰) هم لازم (۲۱) می‌باشد (۲۲) (م) ۳۸۰.
 ۱- تبریزی (م) ۳۶۷ و زنجانی (م) ۳۶۷: اول سر و گردن بعد بدن را بشوید.
 ۲- مکارم : بنابر احتیاط واجب (م) ۳۷۷.
 ۳- تبریزی : و با حرکت دادن اعضای بدن زیر آب به قصد غسل ترتیبی، غسل محقق نمی‌شود (م) ۳۶۷.

۴- تبریزی (م) ۳۶۷ و زنجانی (م) ۳۶۷: (اگر) بدن را قبل از سر بشوید، غسل او باطل است

- ۵- مکارم : غسل را اعاده می کند (و دوباره انجام می دهد) (م ۳۷۷ زنجانی : در صورتی که بدن را قبل از سر بشوید، لازم نیست غسل را اعاده کند، بلکه چنانچه بدن را بشوید غسل او صحیح خواهد بود (م ۳۶۸).
- ۶- بهجت : ولی چنانچه قصد قربت داشته ، آنچه اگر مقدم داشته اعاده نماید غسل صحیح است . و احتیاط واجب رعایت ترتیب در هر عضو از غسل ترتیبی است به این صورت که از بالا شروع کند و به قسمتهای پایین عضو ختم کند (م ۳۶۳).
- ۷- تبریزی و زنجانی : این مسأله در رسالهء آنان دیده نشد.
- ۸- تبریزی : هر دو قسمت ، یعنی سر و گردن و طرف راست و چپ ... (م ۳۶۹).
- ۹- زنجانی : در هر یک از هر دو قسمت ، یعنی سر و گردن و بدن باید یقین کند که آن قسمت را کاملاً شسته است (م ۳۶۹).
- ۱۰- زنجانی : تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو به نحو فتوا یا احتیاط - از هر قسم - گفته شد، در صحیح بودن غسل هم به همان گونه شرط است ... (م ۳۸۶).
- ۱۱- بهجت : عبارت (غصبی نبودن آن) را ندارد (م ۳۷۷ زنجانی : عبارت (مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن) را ندارد (م ۳۸۶).
- ۱۲- بهجت : اما در (غسل) ترتیبی احوط (و به احتیاط نزدیکتر) است (م ۳۷۷).
- ۱۳- تبریزی : (م ۳۸۶ و زنجانی (م ۳۸۶): در غسل ترتیبی لازم نیست بعد از شستن سر و گردن فوراً بدن را بشوید.
- ۱۴- زنجانی :... پس اگر بعد از شستن سر و گردن صبر کند و بعد از مدت زیادی بدن را بشوید اشکال ندارد، بلکه لازم نیست تمام سر و گردن یا بدن را یکمرتبه بشوید. پس جایز است که مثلاً سر را شسته و بعد از مدت زیادی گردن را بشوید... (م ۳۸۶).
- ۱۵- تبریزی : و بعد طرف راست و چپ را بشوید اشکال ندارد، بلکه لازم نیست تمام سر و گردن یا بدن را یک مرتبه بشوید. پس جایز است مثلاً سر را شسته و بعد از مدتی گردن

- را بشوید (م) ۳۸۶.
- ۱۶- تبریزی: ولی شستن مثل توی گوش و بینی و هر چه از باطن (و درون) شمرده می شود، واجب نیست (م) ۳۸۰.
- ۱۷- زنجانی: در غسل باید تمام بدن شسته شود، حتی نباید سر مویی از بدن نشسته بماند، ولی شستن مثل (؛ اللاداخل بینی و هر چه از باطن شمرده می شود واجب نیست (م) ۳۸۰.
- ۱۸- با توجه به این مسأله باید جاهایی مانند زیر بغل و لای انگشتان دست و پا و لالهء گوش شسته شوند.
- ۱۹- زنجانی: در غسل شستن موها لازم نیست، بلکه اگر آب را طوری به پوست برساند که موها تر نشود غسل صحیح است، ولی اگر رساندن آب به پوست بدون شستن آنها ممکن نباشد، باید آنها را بشوید تا آب به بدن برسد (م) ۳۸۵.
- ۲۰- مکارم: شستن موهای بلند و زیر آنها هر دو لازم است (م) ۳۹۳.
- ۲۱- تبریزی: شستن موهای بلند واجب نیست، بلکه اگر آب را طوری به پوست برساند که آنها تر نشود غسل صحیح است، ولی اگر رساندن آب به پوست بدون شستن آنها ممکن نباشد، باید آنها را بشوید که آب به بدن برسد (م) ۳۸۵.
- ۲۲- بهجت: لزوم شستن موهای کوتاه که پوست از لای آنها دیده می شود، در موقع غسل کردن خالی از قوت نیست، ولی موهای بلند لازم نیست (شسته شوند) (م) ۳۷۶.

غسلهای واجب

غسلهای واجب هفت غسل هستند. یکی از آنها ((غسل حیض)) است. غسل حیض

۱- حیض خونی است که غالبا در هر ماه چند روزی از رحم زنها خارج می شود، و زن را در موقع دیدن خون حیض حائض می گویند. (پس از: م ۴۳۴) ۲- خون حیض (۱) در بیشتر اوقات غلیظ و گرم و رنگ آن (۲) سرخ مایل به سیاهی یا سرخ تیره است و با فشار و کمی سوزش بیرون می آید (م ۴۳۵) ۳- مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز

نمی شود، و اگر مختصری هم از سه روز کمتر باشد حیض نیست (۳) (م ۴۴۱) ۴- باید (۴) سه روز اول حیض پست سر هم باشد، پس اگر مثلا دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند حیض نیست (م ۴۴۲) توجه

هنگامی که خون حیض بیرون می آید، دختر و یا زن در حالت ((رگ^۲ل)) یا ((عادت ماهانه)) و یا ((پریود)) به سر می برد. پس از آنکه دختران از عادت ماهانه و خون حیض پاک شدند، باید برای کارهایی مانند نماز که نیاز به طهارت و پاکیزگی داند غسل کنند و وضو هم بگیرند. نمازهای یومیه ای (۵) که زن در حال حیض نخوانده قضا ندارد، ولی روزه های واجب را باید قضا نماید (م ۴۶۹). چیزهایی که بر حائض حرام است چند چیز بر حائض حرام است. برخی از آن ها عبارتند از: اول: رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا و اسامی مبارکه پیامبران و امامان (۶) علیهم السلام که بنابر احتیاط واجب (۷) حکم اسم خدا را دارد. (۸) دوم: رفتن در مسجد الحرام (در مکه) و مسجد پیغمبر صلی الله علی و اله (در مدینه) (۹) اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود. (۱۰) سوم: توقف (۱۱) در مساجد دیگر، ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود (۱۲) مانعی ندارد. و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان هم توقف نکند. (۱۳) چهارم: (۱۴) گذاشتن چیزی در مسجد. (۱۵) پنجم: خواندن (۱۶) سوره ای که سجده واجب دارد و آن چهار سوره است: اول: سوره سی و دوم قرآن (الم تنزیل (=الف، لام، میم، تنزیل یا همان سوره سجده)). دوم: سوره چهل و یکی (حم سجده (=حای، میم، سجده یا همان سوره فصلت)). سوم: سوره پنجاه و سوم (و النجم (یا همان سوره نجم)). و اگر یک حرف (۱۷) از این چهار سوره را هم بخواند حرام است. ششم: عبادتهایی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمم به جا آورده شود، (۱۸) ولی به جا آوردن عبادتهایی که وضو و غسل و تیمم برای آن ها لازم نیست، مانند

- نماز میت مانعی ندارد (م ۳۵۶ و ۴۵۱). برای دانستن موارد دیگر به رساله‌ی توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید.
- ۱- زنجانی: خون حیض در بیشتر اوقات، زیاد و گرم و تازه و رنگ آن سیاه یا سرخ تیره است و با فشار و سوزش بیرون می‌آید. (م ۴۴۰)
- ۲- بهجت: رنگ آن سرخ مایل به سیاه یا سرخ است (پس از: م ۳۹۸) تبریزی: رنگ آن سیاه یا سرخ است (م ۴۴۰) مکارم: رنگ آن تیره یا سرخ است (م ۴۲۷).
- ۳- زنجانی: و مراد از روز در اینجا مدت ۲۴ ساعت است، نه روز در مقابل شب (م ۴۴۶).
- ۴- زنجانی: در این مسائله توضیح مفصلی دارند که مقلدان ایشان به مسائله ۴۴۷ رساله شان مراجعه کنند.
- ۵- نمازهای یومیه، نمازهای شبانه روزی که در پنج نوبت صبح، ظهر، عصر، مغرب، عشا خوانده می‌شود.
- ۶- بهجت: و اسم حضرت زهرا ۳ به طوری که در وضو گفته شد (م ۳۵۹).
- ۷- تبریزی: قید (احتیاط واجب) را ندارد، بلکه تمام مسائله به صورت فتواست (م ۳۶۱).
- ۸- زنجانی: رساندن جایی از بدن خود به خط قرآن و بنا بر احتیاط به اسم خدا و صفات خاصه‌ی او (مانند رحمان) به هر لغت که باشد، مگر پولی که بر آن، نام خدا نوشته شده باشد که دست زدن به آن اشکال ندارد، و احتیاط مستحب آن است که به اسم پیغمبران و امامان و حضرت زهرا علیه السلام نیز نرساند (م ۳۶۱).
- ۹- زنجانی: و حرم امامان علیهم السلام... و مراد از حرم امامان محوطه‌ای است که ضریح مقدس و قبر مطهر در آن قرار دارد نه تمام رواقها یا صحنه‌ها (م ۳۶۱).
- ۱۰- بهجت: و همچنین داخل شدن به آنجا برای برداشتن چیزی بنا بر احوط (م ۳۵۹).
- ۱۱- زنجانی: داخل شدن در مساجد دیگر مگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود (م ۳۶۱).
- ۱۲- تبریزی: عبارت (برای برداشتن چیزی برود) را ندارد (م ۳۶۱).

- ۱۳- بهجت: بلکه (در حرم امامان) عبور نیز ننماید و همچنین در رواقها (ی حرم) (م ۳۵۹).
- ۱۴- مکارم: داخل شدن در مسجد برای گذاشتن چیزی در آن (م ۳۷۰).
- ۱۵- تبریزی: یا داخل شدن در آن برای برداشتن چیزی (م ۳۶۱).
- ۱۶- تبریزی: خواندن هر یک از آیات سجده واجب... (م ۳۶۱) مکارم: خواندن یکی از آیات سجده، ولی خواندن غیر آیه سجده از سوره‌ی سجده مانعی ندارد (م ۳۷۰) زنجانی: خواندن هر یک از آیات سجده‌ی واجب و آن در چهار سوره است: اول: سوره ۳۲، آیه ۱۵؛ دوم: سوره ۴۱، آیه ۳۷؛ سوم: سوره ۵۳، آیه آخر؛ چهارم: سوره ۹۶، آیه آخر. بلکه بنا بر احتیاط خواند آیات دیگر یا قسمتی از یک آیه سوره سجده نیز جایز نیست (م ۳۶۱).
- ۱۷- بهجت: اگر یک کلمه از این چهار سوره را هم بخواند حرام است (م ۳۵۹).
- ۱۸- زنجانی: و در مدتی که حائض می باشد یا شرعاً محکوم به حائض بودن می باشد، اگر عبادتی - ولو رجائی - به جا آورد معصیت کرده است... (م ۴۵۶).

احکام روزه

برنامه روزه

- ۱- روزه آن است که انسان برای انجام فرمان خداوند (۱) عالم از اذان صبح تا مغرب از چیزهایی که روزه را باطل می کند و شرح آن بعداً گفته می شود خودداری نماید (م ۱۶۲۶).
- ۲- لازم نیست که انسان نیت روزه را از قلب خود بگذراند یا (۲) مثلاً بگوید فردا را روزه می گیرم، بلکه همین قدر که (۳) برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد کافی است. (و) برای (۴) اینکه یقین کند تمام این مدت را روزه بوده، باید (۵) مقداری پیش از اذان صبح و مقداری هم پس از مغرب از انجام کاری که روزه را باطل می کند خودداری نماید (۶) (م ۱۶۲۷). ۱-
- زنجانی: روزه آن است که انسان برای خداوند متعال ... (پیش از: م ۱۵۵۹).

- ۲- بهجت : یا به زبان جاری کند, مثلاً بگوید... (م ۱۲۶۶).
- ۳- تبریزی: بلکه همین قدر که بنا داشته باشد برای انجام فرمان خداوند عالم... (م ۱۵۵۹).
- ۴- بهجت: از این قسمت مسأله به بعد در رسالهء ایشان دیده نشد (م ۱۲۶۶).
- ۵- مکارم: باید احتیاطاً... (م ۱۳۱۷).
- ۶- زنجانی: لازم نیست انسان نیت روزه را به زبان آورد یا از قلب خود بگذراند, مثلاً در قلب خود بگوید فردا روزه می گیرم قُرْبَةً اِلَى اللّٰه, بلکه همین قدر که با قصد برای خداوند متعال از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد کافی است (م ۱۵۹).

۳- قضا و کفاره روزه

- اگر (کسی) روزه رمضان را عمدأ (۱) نگیرد, باید قضای (۲) آن را به جا آورد, و برای هر روز (کفاره (۳) بدهد یعنی) دو ماه روزه بگیرد, یا به شصت فقیر طعام (= گندم و جو و مانند اینها) بدهد, یا یک بنده (= برده) آزاد کند. و چنانچه تا رمضان آینده قضای آن روزه را به جا نیاورد, (۴) برای هر روز نیز دادن یک مُدّ طعام (= تقریباً ۷۵۰ گرم گندم و جو و مانند اینها) لازم است (۵) (م ۱۷۷۶). یادآوری برای آشنایی بیشتر با احکام قضا و کفاره روزه به رسالهء توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید. والسلام
- التماس دعا
- ۱- زنجانی: بدون عذر نگیرد... (م ۱۷۱۹).
 - ۲- اگر کسی روزه را در وقت مخصوص آن نگیرد, باید روز دیگری به جای آن, روزه بگیرد. و روزه ای که پس از وقت مخصوص آن به جا آورده می شود <روزه قضا> نام دارد.
 - ۳- کفاره = کاری که انسان برای جبران گناهش انجام می دهد.

- ۴- زنجانی : بنابر احتیاط برای هر روز یک مُدّ دیگر طعام به فقیر بدهد (م ۱۷۱۹).
 ۵- بهجت و مکارم : این مسأله در رساله آنان دیده نشد.

چیزهایی که روزه را باطل می کند

به چیزهایی که روزه را باطل می کنند و از بین می برند <مُبطلات روزه > می گویند. نُه چیز (۱) روزه را باطل می کنند. برخی از آنها عبارتند از: ۱- خوردن و آشامیدن. ۲- دروغ بستن به خدا و پیغمبر (۲) و جانشینان پیغمبر (۳) (مانند امامان). ۳- رساندن غبار غلیظ به حلق. (۳) ۴- فرو بردن تمام سر در آب (۵). ۵- قی کردن (= استفراغ کردن) (م ۱۶۴۵). چهار چیز دیگر نیز روزه را باطل می کنند. برای دانستن آنها به رساله توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

مرجع تقلید خود مراجعه کنید.
توجه

اگر روزه دار سهواً (۶) (نه عمداً) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود (م ۱۶۴۷). فرو بردن آب دهان اگرچه به واسطه خیال کردن ترشی و مانند آن در دهان جمع شده باشد، روزه را باطل نمی کند (۷) (م ۱۶۵۲). انسان نمی تواند به خاطر ضعف روزه اش را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که (۸) معمولاً نمی شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد (۹) (م ۱۶۵۵). باید (۱۰) روزه دار از استعمال (۱۱) آمپولی که به جای غذا (۱۲) به کار می رود (۱۳) خودداری کند (۱۴)، ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس می کند یا (۱۵) به جای دوا استعمال می شود اشکال ندارد (۱۶) (م ۱۶۴۸). ... با فرو بردن بقایای (= باقیمانده های) غذایی که از بین دندانها بیرون می آید (۱۷)، روزه باطل می شود (۱۸) (م ۱۶۴۶). اگر موقعی که (روزه دار) مشغول غذا خوردن است بفهمد صبح شده باید لقمه را از دهان بیرون آورد، و خ چنانچه عمداً فرود برد روزه اش باطل است و به دستوری که بعداً گفته خواهد شد، کفّاره هم بر او واجب می شود (م ۱۶۴۹). فرو بردن (۱۹) اخلاط (= خلطهای) سر و سینه تا به فضای دهان نرسیده

- اشکال ندارد، ولی اگر داخل فضای پ دهان شود، احتیاط واجب (۲۰) آن است که (روزه دار) آن را فرو نبرد (م ۱۶۵۳). اگر انسان عمداً و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد روزه او باطل می شود، و چنانچه از روی عمد نباشد (۲۱) اشکال ندارد... (۲۲) (م ۱۷۲۰). ۱- زنجانی : هفت چیز... (م ۱۵۸۱).
- ۲- مکارم : و امامان (م ۱۳۳۵ زنجانی : یا یکی از امامان (م ۱۵۸۱).
- ۳- بهجت : و معصومین (پس از: م ۱۲۸۰).
- ۴- زنجانی : احتیاط مستحب آن است که از رساندن غبار به حلق خودداری کند (م ۱۵۸۱).
- ۵- زنجانی : بر روزه دار حرام است سر را در آب فرو برد، ولی ظاهراً روزه را باطل نمی کند (م ۱۵۸۱).
- ۶- مکارم : و از روی فراموشی (م ۱۳۳۸).
- ۷- بهجت : این مسأله در رساله ایشان دیده نشد.
- ۸- بهجت : به قدری است که مشقت شدید داشته به طوری که معمولاً نمی شود آن را تحمل کرد خوردن روزه اشکال ندارد، ولی اگر تا سال دیگر خوب باشد باید قضای آن را را بگیرد (م ۱۲۹۰ مکارم : به قدری ضعف پیدا کند که تحمل آن بسیار مشکل شود، می تواند روزه را بخورد. و همچنین اگر خوف (و ترس) بیماری داشته باشد (م ۱۳۴۴).
- ۹- زنجانی :... بلی بعضی از اشخاص مانند پیرمردها می توانند به جهت مشقت، روزه را بخورند (م ۱۵۹۲).
- ۱۰- بهجت (م ۱۲۸۴ و زنجانی (م ۱۵۸۵ و مکارم (م ۱۳۳۹): احتیاط واجب آن است که ... تبریزی : بهتر آن است که از استعمال آمپولی که به جای دوا و غذا به کار می برند خودداری کند (م ۱۵۸۵).
- ۱۱- زنجانی : از استعمال سُرْم و آمپولی ... (م ۱۵۸۵).
- ۱۲- مکارم : یا دوا (م ۱۳۳۹).
- ۱۳- مانند سرمهای غذایی .

- ۱۴- بهجت : بلکه اجتناب (و دوری) خالی از وجه نیست (م ۱۲۸۴).
- ۱۵- بهجت : (م ۱۲۸۴ و تبریزی (م ۱۵۸۵: یا به جهت دیگر استعمال می شود.
- ۱۶- بهجت : و اجتناب از آمپولی که معلوم نیست از قسم اول باشد یا نه , لازم نیست (م ۱۲۸۴).
- ۱۷- بهجت (م ۱۲۸۵ و تبریزی (م ۱۵۸۶ و زنجانی (م ۱۵۸۶: اگر روزه دار چیزی را که لای دندان مانده عمداً فرو برد, روزه اش باطل می شود.
- ۱۸- مکارم : این مسأله در رساله ایشان دیده نشد.
- ۱۹- بهجت : جواز فرو بردن اخلاط سر و سینه در صورتی که در غیر حال روزه امری عادی باشد و به فضای دهان نرسیده باشد خالی از وجه نیست , و اگر به فضای دهان رسید و آن را فرو بُرد, بنابر احتیاط واجب روزه راباطل می کند (م ۱۲۸۷. پ
- ۲۰- زنجانی : احتیاط مستحب ... (م ۱۵۸۹).
- ۲۱- در حالت غیر عمدی , یک مورد استثنا شده است و روزه باطل می شود. برای دانستن احکام و جزئیات آن به رساله توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید.
- ۲۲- بهجت : این مسأله در رساله ایشان دیده نشد زنجانی : روزه اش باطل نمی شود... (م ۱۶۶۲ مکارم : هرگاه یکی از امور نه گانه ای که قبلاً گفته شد, سهواً یا بدون اختیار به جا آورد روزه اش صحیح است ... (م ۱۳۹۴

معانی واژه ها و اصطلاحات فقهی

- ۱- فتوا: دستور و نظر و رأی قطعی مجتهد و مرجع تقلید در احکام و مسائل شرعی است که مقلدان او باید به آن عمل کنند, و نمی توانند در آن مسأله به فتوای مرجع تقلید دیگری عمل کنند. ۲- احتیاط, بنابر احتیاط: روشی که رعایت آن در احکام و مسائل شرعی موجب احاطه کامل و اطمینان انسان برای رسیدن به واقع است. اگر در مسأله ای مرجع تقلید پیش از احتیاط یا پس از آن , فتوایی نداده باشد, آن احتیاط به معنای

احتیاط واجب و در غیر این صورت، احتیاط مستحب است. ۳- احتیاط واجب، احتیاط وُجوبی: امری طبق احتیاط است که مجتهد و مرجع تقلید همراه آن فتوا نداده است. در چنین مسائل و مواردی مقلدان وی می توانند به نظر مرجع تقلید خود که احتیاط واجب دارد عمل کنند، و یا می توانند فقط در همان مسأله به فتوای مرجع تقلید دیگری که اعلم از دیگران است (۱) عمل کنند. (۲) ۴- احتیاط مستحب، احتیاط استحبابی: امری طبق احتیاط و غیر از فتوای مجتهد و مرجع تقلید است. بدین جهت رعایت آن الزامی نیست، ولی دارای ثواب و پاداش است. در چنین مسائل و مواردی مقلدان وی نمی توانند به نظر مرجع تقلید دیگری عمل کنند. ۵- احوط، بنابر احوط: امری نزدیکتر به احتیاط و انجام آن دارای ثواب است. ۶- بنابر اقواء، اقوا این است: نظر قویتر و فتوای مرجع تقلید این است و باید به آن عمل کرد. ۷- خالی از قوت نیست: فتوای مرجع تقلید این است و باید به آن عمل کرد (مگر اینکه در ضمن مسأله، قرینه و نشانه ای بر غیر این معنا باشد). ۸- خالی از وجه نیست: فتوای مرجع تقلید این است و باید به آن عمل کرد (مگر اینکه در ضمن مسأله، قرینه و نشانه ای بر غیر این معنا باشد). ۹- بعید نیست: دور از حقیقت و واقعیت نیست؛ فتوای مرجع تقلید این است و باید به آن عمل کرد (مگر اینکه در ضمن مسأله، قرینه و نشانه ای بر غیر این معنا باشد). ۱۰- ظاهراً، ظاهر این است: فتوای مرجع تقلید این است و باید به آن عمل کرد (مگر اینکه در ضمن مسأله، قرینه و نشانه ای بر غیر این معنا باشد). ۱۱- بنابر اظهر، اظهر این است: ظاهرتر این است. ۱۲- محل تأمل است، محل اشکال است: مانند احتیاط واجب است. بنابراین اگر جایز بودن چیزی محل تأمل ۱۵ محل اشکال بود، احتیاط واجب در ترک آن چیز است. ۱۳- قصد ورود: کاری را به قصد اینکه در شرع مقدس اسلام این چنین <وارد> شده است انجام دادن. ۱۴- اطمینان شخصی: اطمینانی که برای شخص خود انسان به دست می آید. ۱۵- اطمینان نوعی: اطمینانی که برای نوع انسانها به دست می آید. ۱- برخی از مراجع تقلید بر این عقیده اند که مرجع تقلید دیگری، لازم نیست اعلم از دیگران باشد.

۲- آقای شبیری زنجانی، احتیاط را به سه قسم احتیاط مستحب و احتیاط واجب و احتیاط مطلق تقسیم کرده اند. مقلدان ایشان برای دانستن معانی آنها به مسأله ۷ رساله شان مراجعه کنند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
 بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی،

فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
 ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
 (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی

بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
 ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی /
 مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com

فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱)

بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده

ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت

مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم

عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب

شبا: 53-0609-0621-0000-0000-0180-IR90 به نام مرکز تحقیقات رایانه ای

قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی
 الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبتِ ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در گرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

